

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره توطئه علیه مسئولین و اعضای سازمان در زندان

خونخوار شاه شکنجه دیده اند و یادر انقلاب نقش و شرکت فعالی داشته اند، گناه آنها صرفاً دفاع از استقلال و آزادی میهن خویش و آزادی بهروزی برای کارگران و دهقانان زحمتکش و مخالفت با چپاولگری سرمایه داران است. جهت اطلاع شما از گوشه‌ای از جنایاتیکه در میهن ما صورت می‌گیرد، کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اسامی گروهی از مسئولین و کادرها و اعضای قدیمی سازمان را که در زندان بسر می‌برند اعلام می‌کند. این اسامی به دلایل امنیتی و نیز نفی اطلاعات تنها شامل بخشی از کادریها و اعضای سابق سازمان فدائیان خلق ایران است.

رحیم اسدالهی، صد اسلامی، علیرضا اکبری، شادبیز، حسین بنهودی پشته، علی برهیمی، رضی الدین تابان، مینا جریری، محمد جودکی، مهراکیز رمانی، ناصر شعاع آذر، صدیق الدین زهره صدیق تنگابنی، محمدرضا غیراتی، بهروز غیاثوند، محسن فارسپانی، تقی قانع شکسته بیجاری، انوشیروان لطفی، اکبر مرادیان بروجنی، جواد ملاحسنی، محسن میرزاپور، فرهاد نگهبان، علیرضا نویری، مخی نیک بی.

هم میهنان گرامی!
انقلابیون و میهن پرستان ایران!
جان فدائیان زندانی در معرض خطر جدی است. در دفاع از این فرزندان مبارز، هم‌زمان پاک باخته، صدای اعتراض خود را رساتر کنیم. برای خنثی کردن توطئه های حکومت علیه انقلابیون و میهن پرستان برای قطع شکنجه و کشتار فرزندان خلق همگی و با تمام نیرو بکوشیم. فدائیان، توده‌ایها، مجاهدین، مبارزین انقلابی و همه میهن پرستان اسیر، از هر گروه و سازمان میهن پرست و ترقیخواه، این اندیشه و خواست را دارند که همه انقلابیون و میهن پرستان نیروی خود را در دفاع از آنها، بطور مشترک و هماهنگ بکار گیرند. به خواست هم‌زمان دربند خود پاسخ مثبت دهیم.
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، از همه نیروهای ترقیخواه جهان، از همه سازمان ها و نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر و حقوق زندانیان سیاسی دعوت می‌کند، در دفاع از رفقای دربند ما و همه ایران انقلابی و میهن پرست که در زندانهای جمهوری اسلامی دربندند و زیر شکنجه های مرگبار قرار دارند، صدای اعتراض خود را رساتر سازند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۶۳ / ۲ / ۱۵

جاودان باد خاطره خسرو روزبه

۲۱ اردیبهشت، مصادف بود با سالروز شهادت رفیق خسرو روزبه، قهرمان ملی و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، خسرو روزبه که در فرهنگ انقلابی مردم کشور ما سبیل عشق به مردم و میهن است، سرمشق همه کسانی است که در راه استقلال میهن و آزادی مردم جان خود را مادقانه و بی باکانه نثار می‌کنند، به آرمان انقلابی خود تا به آخر وفادارند و تا پایان از حزب و مردم و میهن خود دفاع می‌کنند. بقیه در صفحه ۷

با کدام برنامه؟ با کدام خط مشی؟

فعالین انقلابی
و مسئله تبلیغ سیاسی در وضعیت کنونی
در صفحه ۳

هم میهنان گرامی!
مردم مبارز و قهرمان ایران!
بیگرد، شکنجه و کشتار بهترین فرزندان شما، کسانی که همه خواست و آرزویشان آزادی میهن و بهروزی مردم ایران است، همچنان دامنه گسترده تری می‌یابد. زمامداران جمهوری اسلامی که علیرغم زندان و شکنجه و اعدام فدائیان، توده‌ایها، مجاهدین و دیگر مبارزان میهن پرست، نتوانسته اند سازماندهی فدائیریالیست و مردمی را درهم بشکنند، اکنون توطئه های جنایتکارانه تازه ای را علیه فدائیان خلق ایران به اجرا در می‌آورند. در نتیجه بیگردهای وسیع، هجوم به خانه‌ها، محله گردی، قرق خیابانها و میدانها و کنترل گلگاه شهری، به کمک مزدوران و خودفروختگان با بهره گیری از بایگانی اطلاعات ساواک، طی ماههای اخیر، عده دیگری از مسئولین و کادریها سازمان ما اسیر و ربوده شده‌اند. تنها در شهر اهواز مزدوران رژیم و دستجات اوپاش حکومت نزدیک به ۵۰ نفر از فعالین سازمان ما بازداشت و به شکنجه کاهها بردند. بعلاوه زمامداران جمهوری اسلامی که تاکنون نتوانسته اند به رهبری سازمان دست یابند، به تشدید شکنجه فدائیان اسیری که از پیش از دو سال قبل در زندان بسر می‌برند، روی آورده‌اند. در همین بویژه برای از یاد آوردن عده‌ای از اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و بسیاری از کادریهای سازمان که مدت‌هاست در زندان اوین و دیگر شکنجه گاههای رژیم به گروگان نگاهداشته شده‌اند، همه امکانات خود را بکار گرفته‌اند. پیش از یکسال است رهبران جمهوری اسلامی این رفقای ما را به زیر وحشیانه ترین شکنجه‌ها کشیده‌اند تا آنها را بشکنند و تسلیم کنند. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعلام می‌دارد، رفیق انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان و از مبارزان شناخته شده جنبش انقلابی ایران نیز در تابستان سال گذشته مورد شناسایی تعقیب و مراقبت ما مورقین و مزدوران رژیم قرار گرفت. او به بار موفق شد حلقه محاربه آنان را بشکند، اما آخرین بار در اول شهریورماه سال گذشته که تحت تعقیب قرار گرفت، رابطه‌اش با سازمان قطع گردید و تا امروز مقامات مشغول کوچکترین خبری درباره سرنوشت رفیق انوشیروان لطفی به مردم نداده‌اند. همسر او را نیز اسیر کرده‌اند، خانواده‌های آنها هم در بی اطلاعی محض نگاه داشته شده‌اند.

مقامات حکومتی این جنایات را علیه فدائیان مرتکب می‌شوند که در زندانهای رژیم منطقه نتیجه مستقیم و بلاواسطه ادامه جنگ کثیف ایران و عراق است. این جنگ بسود امپریالیسم بوده و هست و به تقویت بیشتر ارتجاع در ایران و عراق می‌انجامد. مسئولیت ادامه این جنگ به عهده هیئت حاکمه جمهوری اسلامی است. حکومت ایران با ادامه جنگ جنایات بی شماری مرتکب شده است و فجایع بی شماری آفریده است. حکومت با تکرار تهدیدهای توخالی و با تلاش برای کشتادن جنگ به دریا، دیوانگی و جنون جنگ طلبی خود را به اوج رسانده است و کشور ما و دیگر ملت‌های منطقه را در معرض تجاوزگریهای هر چه بیشتر و عریان تر امپریالیسم قرار داده است. اوج گیری کنونی بحران خلیج فارس بار دیگر اثبات می‌کند که برقراری صلح یک مسئله فوری و بسیار مبهم است. طولانی شدن جنگ آبستن فجایع تازه و غیرقابل پیش بینی است. دوستان مردم و انقلاب ما در سراسر جهان باید اشتراک مساعی کنند و با ابتکارهای هر چه موثرتر مردم ما را در برقراری صلح یاری رسانند.

انتخابات:

تحکیم قدرت به قیمت انفراد بیشتر

در شرایط اختناق بی سابقه، در شرایط پیگرد و دستگیری گسترده و شکنجه و اعدام گروهی انقلابیون، انتخابات دور دوم مجلس انجام پذیرفت.
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب توده ایران، سازمان مجاهدین خلق، چریکهای فدائی خلق، حزب دمکرات کردستان، امت و سایر نیروهای ترقیخواه که همه تحت پیگرد و سرکوب رژیم قرار دارند، از شرکت و فعالیت در انتخابات محروم بودند. سران رژیم، هم از فعالیت انقلابی آنها در انتخابات جلوگیری کردند، هم به شکنجه و اعدام رهبران و اعضا و هواداران آنها ادامه دادند. بر آن شرایطی جدید آوردند که بسیاری از مسلمانان مترقی و مدافع قانون اساسی که در مجلس اول در انتخابات شرکت داشتند، و برخی هم به مجلس راه یافته بودند، این بار عملاً از شرکت در انتخابات محروم شدند. انتخابات تنها با شرکت حزب جمهوری اسلامی و نهادها و محافل روحانی و غیر روحانی وابسته به حاکمیت سرگزار شد. سیاست گزاران رژیم با این کارها می‌خواستند میدان انتخابات از "اغیار" خالی باشد و مجلسی از نمایندگان دلخواه انباشته شود.

مطابق نتایج اعلام شده مرحله اول، از ۲۷۰ نماینده فقط ۱۱۶ نفر انتخاب شده‌اند. گزینش ۱۵۵ نفر دیگر از جمله ۱۷ نفر در تهران، به مرحله دوم کشید. کاندیدایها نتوانستند در بسیاری از مراکز استانها و قریب ۱۰۰ حوزه انتخاباتی رای لازم را بدست آورند. شورای نگهبان سامع ارتجاع، انتخابات تعدادی از شهرستانها را باطل اعلام کرد، و در بسیاری از جاها حتی پس از پایان انتخابات تمام کاندیداهای انتخاب شده منظر ماندند تا شورای نگهبان تصمیم نهایی خود را در این باره که آیا آنها نماینده "مطلوب" سران رژیم هستند یا نه، اعلام کند. بقیه در صفحه ۲

ته‌طنه آمریکایی حمله به کشتی‌ها در خلیج فارس

توطئه آمریکایی حمله به نفتکش‌ها و سایر کشتی‌ها در خلیج فارس، اوضاع منطقه را همانطور که آمریکا می‌خواست به اوج وخامت کشانده است. در روزهای اخیر تعدادی از نفتکش‌های کویت، عربستان سعودی و سایرین هدف حمله قرار گرفتند. مقامات کویت اعلام کردند که نفتکش کویت توسط جمهوری اسلامی ایران مورد حمله قرار گرفته است. شیوخ امارات خلیج فارس این گفته‌ها را تکرار کردند. از سوی دیگر برخی مقامات جمهوری اسلامی اجرای توطئه را به رژیم صدام نسبت می‌دهند. قطع نظر از اینکه کدام رژیم در حمله به نفتکش‌ها پیش قدم شده باشد، قطعی است که این یک توطئه آمریکایی است که از مدت‌ها پیش نقشه آن طراحی شده و دستگاه‌های تبلیغاتی آمریکا به زمینه سازی برای اجرای آن مشغول شدند. جریان اصلی توطئه حمله به نفتکش‌ها، امروز بی کم و کاست مجری خطرناک ترین توطئه آمریکایی هستند و مستقیماً آمریکا را در اجرای نقشه قهقه کامل نظامی خلیج فارس و گسترش تجاوز علیه مسلسل منطقه کمک می‌کنند. اکنون امپریالیسم تجاوزکار آمریکا آماده می‌شود تا علاوه بر ناوکسان مجبزی که در منطقه مستقر کرده است نیروی هوایی خود را جهت "تامین امنیت هوایی خلیج فارس" اکیسب کند. وخامت کنونی اوضاع منطقه و تشدید بحران خلیج فارس و اجرای خطرناکترین توطئه‌های آمریکا علیه کشور ما و همه ملل

جنگ را قطع کنید، مردم صلح می‌خواهند

انتخابات ...
 بقیه از صفحه ۱
 بجه دلیل حکومت نتوانست مجلس را در پایان مرحله اول انتخابات تشکیل دهد؟ البته سیاست‌گزاران رژیم مایل نبودند که انتخابات با این وضعیت پایان یابد. آنها از همان آغاز، در این فکر بودند که از شکستن آراء جلوگیری کنند. و همه جناحها یک لیست مشترک را امضاء کنند و آنرا جلوی مردم بگذارند. اما این کار پیش نرفت. علیرغم اینکه اختلافات جناحهای مختلف باعث شد که نقشه لیست واحد بهم نخورد، مع التوفیق تنها این اختلافات کاهن نیافت، بلکه بر دامنه آن نیز افزوده گردید. مادام که نقشه لیست واحد ساختار یارچا بود، اختلاف جناحها حول این نکته متمرکز می شد که چه کسانی را در لیست بگنجانند. و از کدام جناح کاندیداهای بیشتری معرفی گردد. در این جریان، در یک طرف جناح راست و رهبری حکومت قرار داشت، مرکز جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، حزب جمهوری اسلامی، روحانیت مبارز تهران و بازار، در طرف دیگر گروهی از ائمه جمعه، چند نفر از وزرا، روزنامه های کیهان و اطلاعات و بسیاری از انجمن های اسلامی دانشجویان و ادارات و غیره قرار گرفته بودند. در رأس حکومت جبهه متحد راست تفوق کامل دارد. در حالیکه در یارچین حکومت این جبهه تفوق کامل ندارد.

می شدند. درست است که هر کدام از این احزاب و سازمان ها، لیست جداگانه ای انتشار دادند، اما در لیست ها اکثر اسامی مشترک بود. آنها عملا ائتلاف کردند. جدول زیر نسبت کاندیداهای مشترک آنها را با لیست بازار (بازار و اصناف تهران) نشان می دهد:

نام حزب	بازار	مجاهدین	فدائیان
یاسازمان	انقلاب اسلامی	اسلام	
درصد اشتراک	۱۰۰	۸۱	۷۰
بالیست بازار			
حزب جامعه روحانیت سازمان	۶۷	۶۷	۶۷
جمهوری اسلامی مبارز تهران فجر اسلام			

چنانچه دیده می شود در ائتلاف جناح راست حاکم در عمل دو ترکیب نزدیک بهم وجود داشت. یک ترکیب که ارتجاعی ترین چهره های افشاء شده را ست را بیشتر از دیگری در خود جای داده بود (بازار، مجاهدین انقلاب اسلامی و فدائیان اسلام) و ترکیب دیگر که کمی احتیاط کرده و برای فریب بیشتر مردم در لیست خود وزن رسته های افراطی افشا شده را کمی تعدیل کرده بود (حزب جمهوری، جامعه روحانیت تهران و سازمان فجر اسلام). چنانکه از جدول بر می آید تنها لیست کاندیداهای دفتري تحکیم وحدت و پیشانیان آنها با لیست ائتلاف راست حاکم قافله محسوبی داشت. این لیست حدود ۵۰ درصد از کاندیداهای مورد تأیید ائتلاف راست را در خود گنجانده و با لیست بازار که در منتهای اله راست ائتلاف حاکم قرار گرفته، فقط ۲۵ درصد کاندیداهای مشترک داشت. بدین ترتیب بازم در عمل ائتلاف دیگری بوجود آمده بود، که پرچمدار آن ظاهرآ دفتري تحکیم وحدت انجمنهای اسلامی دانشجویان دانشگاه های تهران اعلام گردید. از لیست انتخاباتی این دفتري، نهاد های نظیر انجمن اسلامی معلمان، سازمان اسلامی زنان متعهد ایران (تحت نظر امامی کاشانی)، ستاد هماهنگی انجمن های اسلامی وزارت خانه ها و سازمان های دولتی، خانه کارگر و شمعاری از انجمن های اسلامی کارخانه های تهران حمایت کردند. علاوه بر آن، امام جمعه قم، اصفهان و بزد (مؤثرترین چهره های شورای مرکزی ائمه جمعه) مردم را به حمایت از کاندیداهای این دفتري فرا خواندند. در روزهای آخر مرحله اول انتخابات حمایت از بلوک دوم بازم گسترش یافت. از جمله ۳۶ نفر طوماری در حمایت از کاندیداهای آن انتشار دادند، که در میان آنها تعدادی از ناراضیان شناخته شده از سیاست راست حاکم دیده می شوند (کیهان ۲۲ فروردین)، در آخرین روزها یک گروه ۷ نفره از وزرای غیر حزبی کابینه متعهد موسوی هم از کاندیداهای دانشجویان اعلام حمایت کردند. بدین ترتیب تضادها شدت بیشتری گرفت، ولی وجود این فصل مشترک وسیع و ائتلاف در تهران، از تشدید درگیری آنها جلوگیری بعمل آورد.

جبهه خودی هم، به حربه ارباب و تهدید متوسل می شود. در بسیاری از شهرها نه تنها روال انتخاباتی آنطور که آنها می خواستند شسته رفته از کار در نیامد بلکه عناصری به مجلس راه یافتند که مطلوب بالایی را نبودند. و این اوضاع و احوال شورای نگهبان را وادار کرد که با پرونده سازی و تقلبات تازه و تازه تر آشکارا در جریان انتخابات دخالت کند. هرچاه که ایس حربه ها پیش نرفت خود سزانه دستور ابطال آنرا صادر کرد.

اعلامیه مشترک سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران، تمام ایس نشینات را پیش بینی کرده بود. جبهه راست، حتی علیه کاندیداهای وابسته به حکومت هم شایعه سازی و پرونده سازی کرد تا آنها را بی راه نیابد. این جریان در تمام مرحله اول با شدت ادامه داشت. "به بهانه اینکه فلان نماینده در استیضاح فلان وزیر شرکت داشته و یا در فلان برنامه نطق تند داشته و یا گاهی اشتباه می کرده و مطالبی را صریح و بی برهانه بیان نموده زمینه چنین نمایندگانی را خراب کرده." (کیهان ۲۲ فروردین). اکنون هم این جریان با شدت بیشتری ادامه دارد و صدای اعتراض مخالفان را بلند کرده است (منظر سوری ۱۳ اردیبهشت). با وجود این، جبهه راست حاکم نتوانست آراء صدوقها را بفتح خود درهم جا تغییر دهد. در شیراز، اصفهان، اهواز، قم و غیره کاندیداهای آنها خندشند یا اینکه بدون دوم رانده شدند. اما جبهه راست در مناطقی که به اهداف انتخاباتی خود دست نیافت، شورای نگهبان آن را تأمین کرد. شورای نگهبان، انتخابات ۱۲ شهری، منجمله اصفهان را ابطال نمود. بدون اینکه شری دلیلی ارائه دهد، هدف شورا از ابطال حوزه ها در مناطقی که جبهه متحد راست یک تاز میدان نبود، آن بود که انتخابات را به میدان دوم ای بکشد. تا سران حکومت فرصت بیابند مقاومت نیروهای ناراضی درون حکومت را درم بشکنند. وقاحت آشکار و حمایت بی پرده شورای نگهبان از منافع جبهه راست حاکم، موج تازه ای از ناراضی تری را میان نیروهای بلوک دوم ایجاد کرد. آنها علیه شورای نگهبان اعلامیه دادند و آن را افشا کردند. آنها در مطبوعات رسمی کشور، زبان به اعتراض گشودند. این ناراضی بحدی گسترش یافت که بار دیگر آیت الله خمینی به حمایت آشکار از شورای نگهبان پیام داد. و در این پیام مبارزان بلوک دوم را به سرکوب تهدید کرد: "افراد ای که نظریه شورای نگهبان در تأیید یا ابطال بعضی حوزه ها موافق میل شان نبوده است، دست به شایعه افکنی زده و اعضای محترم شورای نگهبان را ... تضعیف و با خدای ناکرده توهین می نمایند و به پخش اعلامیه و خطابه در مطبوعات و محافل دست زده اند ... من به این آقایان هشدار میدهم ... باید بگویم که حضرات آقایان فقهای شورای نگهبان را با آشنایی و شناخت تعیین کردم و احترام بآنها، به مقامشان را لازم می دانم ... به شورای نگهبان تذکر می دهم که در کار خود استوار باشند ... (خمینی ۲/۲۵). همانطور که صافی دبیر شورا در جوابیه پیام گفته است، این پیام در این مقطع حساس مانی جمهوری اسلامی را بسود شورا استوار تر ساخته است.

در چنین وضعی بود که ابتدا حکومت، کنی را مامور کرد لیست نمایندگان "اصح" را تعیین کند. بدین ترتیب یکی از رهبران راست مامور شد که سیاست این جبهه را درباره ترکیب مجلس آینده پیش برد و معلوم دارد که این جبهه، چه نمایندگانی را می پسندد و یا بی خطر می داند و کدام گروه باید از دم تیغ تصفیه راستت بگذرد. بدون شک جبهه متحد راست، لیست کسانی را که لازم بود سر از صندوق ها در آورند، تهیه دیده بود. و این می بایست مبنای عمل حکومت قرار می گرفت. علاوه بر این "لیست سیاه" نام هیچ یک از کسانی که به سیاست و عمل جبهه متحد نیروهای راست معترض بودند وجود نداشت. آقای کنی در آن وقت (۲۸ تان) با تلاش برخی ائمه جمعه و عده ای از قضات شرع برای ورود به مجلس مخالفت کرد و گفت بجای اینها "باید افراد دیگری در نظر گرفته شوند". آقای مشکینی بلافاصله پاسخ داد "اگر به کسی که جامعه مدرسین و جامعه روحانیت (تهران) معرفی کرد، رای ندادید آزادید". در همینار شورا های استانی ائمه جمعه اختلافات علنی تر شد. همینار علیرغم فراخوان رفسنجانی برای تسلیم همگان به درخواست های جناح راست حکومت، تصویب کرد که بجای آقای کنی "یک ستاد ده نفره" مرکب از نمایندگان همه جناح ها تشکیل شود و لیست جداگانه ای برای سراسر کشور اعلام کند. در پی این بلیشو ها آیت الله خمینی هم از یک سو صراحتا از سران بازار حمایت کرد. و آنها را به مبارزه مستقل انتخاباتی فراخواند. (دی ماه ۶۳). و از سوی دیگر پس از یک رشته فعل و انفعالات پشت پرده، بدون ذکر نام، به کسانی حمله کرد که در دانشگاه گفته اند "سیاست مختصر روحانیت است" و چندی بعد از آن در تهران، که ستاد انتخابات است، "دفتري تحکیم وحدت" که نام "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" را هم روی خود گذاشت، با ستاد همین صحت اعلام داشت که قصد دارد برای تهران لیست جداگانه ای اعلام کند. این حرکت اخیر مورد تأیید روزنامه های کیهان و اطلاعات و چند وزیر کابینه و برخی از ائمه جمعه قرار گرفت.

در دوره اول انتخابات تمام کاندیداهای مورد نظر خود را به مجلس بفرستد، اما بدیگران هم اطلا اجازه آنرا نداد. از ۱۴ نفر انتخاب شده برای مجلس ۱۳ نفر کاندیداهای ارتجاع هستند. از ۲۲ کاندیداهای راه یافته به مرحله دوم ۱۷ نفر اول از کاندیداهای جبهه راست می باشند و در ردیف یک تا ۲۱ تنها یک نفر کاندیدای اختصاصی دفتري تحکیم وحدت بود و کاندیداهای مختص بلوک دانشجویان پس از آنها قرار دارند. در تهران بطور کلی می توان گفت که تحکیم وحدت و حامیان آن تنها آنقدر نیرو داشتند که کاندیداهای اختصاصی خود را که در صدر آنها عباس دوزدوزانی قرار داشت بدور دوم بفرستند. اما نتوانستند بیشتر از یک نفر راهی مجلس سازند و ائتلاف راست هم کرسی های مجلس را اشغال کرد. در دور اول در تهران، در عمل فقط کاندیداهای مشترک و میانه لیست های دوگانه توانستند به مجلس راه یابند. بدین ترتیب با حذف این فصل مشترک در دور دوم، کاندیداهای مورد تأیید دو جناح عملا فاقد فصل مشترک هستند. حدت تضادها در دور دوم محسوس تر است. در شهرستان ها صف آرائی تهران کمابیش تکرار شد. اما برعکس تهران نتایج انتخابات مرحله اول، مطلوب راست نشد. در اهواز، ائتلاف حزب جمهوری، بازار و روحانیت اهواز از انجمن های اسلامی اهواز شکست خورد و کاندیداهای آنها بدور دوم رانده شدند. در اصفهان که انتخابات در ۱۹ اردیبهشت باطل اعلام شد، طرفداران آقای طاهری (امام جمعه) پیروز شدند و اینجاکاندیداهای حزب جمهوری بدور دوم رانده شدند. انتخابات اصفهان بازرترین نمونه حدت تضادهاست پس از انتخابات دور اول

پیام ۲۲ بهمن حکومت آنچه را که عملا وجود داشت رسمی کرد و به شکست رهبری جمهوری اسلامی در تحمیل یک لیست واحد برای تمام کشور، گردن نهاد. اما پیام هدف دیگری را هم دنبال می کرد. پیام در عمل راه را باز می گذاشت که حزب جمهوری اسلامی و بازار در کلیه حوزه های انتخابات، کاندیداهای معرفی کنند. اما دیگران از جمله شورای ائمه جمعه مجاز به این کار نبودند. بعد از پیام ۲۲ بهمن هم جبهه راست و هم گروه بندی مقابل آنها با نیروهای تازه تقویت گردیدند. انتخابات تهران را به عنوان نمونه بررسی می کنیم؛ هفت بندی بدین ترتیب بود. در یک طرف جبهه متحد راست قرار داشت که سران ارتجاعی بازار، حزب جمهوری اسلامی و جامعه روحانیت مبارز تهران هسته اصلی آنرا تشکیل می دادند. این مثلث ارتجاع از سوی سازمان های ارتجاعی مجاهدین انقلاب اسلامی، فدائیان اسلام و سازمان فجر اسلام حمایت

با کدام برنامه؟ با کدام خط مشی؟

جریانهای سیاسی مخالف زمامداران راستگرای جمهوری اسلامی کلا بر دو دسته اند. جریانهایی که با انقلاب بهمن مخالف بوده اند، در مقابل آن ایستادند، ولی شکست خورده اند. اینها در فرهنگ سیاسی ایران عموماً به سلطنت طلبان معروف شده اند. اگرچه همه شان لزوماً سلطنت طلب نیستند. مخالفت آنها با جمهوری اسلامی از موضع ارتجاعی است دسته دیگریروهایی هستند که ماهیتاً جزو نیروهای ترقیخواه کشور محسوب میشوند و در مقاطع مختلف آماج سرکوب هیئت حاکمه قرار گرفته اند. علاوه بر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران دیگر اجزای سازمانها ی شناخته شده مترقی ایران عبارتند از سازمان مجاهدین خلق ایران، حزب دموکرات کردستان که در "شورای مقاومت ملی" در اتحاد با یکدیگر بنامه و خط مشی معینی را تدوین کرده اند، سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران (اقلیت)، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و جریانهامخالف جنب مشابه که همگی کمابیش مواضع یکسانی دارند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) چه در دوره ای که امید به پیشرفت انقلاب وجود داشت و چه اکنون که انقلاب در مسیر شکست و بازگشت قرار گرفته است، "اپوزیسیون ارتجاعی" جمهوری اسلامی، یعنی سلطنت طلبان و دیگر جریانهای بورژوازی راستگرا را با قاطعیت و روشنی افشاء نموده و علیه توطئه هایشان مبارزه کرده است. این مبارزه باید به اشکال ضروری و در عرصه های مختلف ادامه یابد. نه فقط از این نظر که این جریانهها در کمین اند تا در فرصت مناسب قدرت را بدست گیرند، بلکه بیشتر از این نظر که سیاست های ضد مردمی هیئت حاکمه جمهوری اسلامی از یک سو و امکانات امپریالیسم و بورژوازی بزرگ از سوی دیگر بر بستر عادات و پیشاوربهای توده ها و همچنین بر بستر کم تجربگی های، اشتباهات و نارسایی های نیروهای ترقیخواه زمینه بسیار مساعدی برای ترویج خط مشی نرسمه، ایدئولوژی و راه حل های غیرانقلابی، سازشکارانه و بورژوازیست در صفوف مردم و بویژه در صفوف نیروهای مترقی فراهم می آورد.

از این گذشته هر نیروی انقلابی باید وظیفه خود بداند که توده ها را با سیمای دقیق جامعه ای که میخواهد بسازد، با شکل بندی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن و با الگوهای مشابه آن آشنا سازد. و تفاوت آن را با وضع موجود و با وضع کشورهایی که مطلوب او نیست توضیح دهد. هر نیروی انقلابی باید برنامه خود را وسیعاً به میان توده ها ببرد. یعنی باید توده های وسیع خلق را آگاه سازد که چنانچه قدرت را در دست گیرد برای تأمین و حفظ همه جانبه استقلال کشور، برای تأمین حقوق و آزادیهای سیاسی و اجتماعی و برای تأمین عدالت اجتماعی در جامعه و پیشرفت آن کدام اقدامات مشخص را انجام خواهد داد. علاوه بر نیروی انقلابی باید هر چه روشن تر مردم را با خطوط اساسی خط مشی خود، یعنی با متحدین و حامیان خویش و با دشمنان خود در عرصه ملی و بین المللی آشنا سازد. بخصوص بگوید در کدام جنبه جهانی قرار گرفته است. حامیان و متحدان او در عرصه بین المللی کدامند؟

زمانی که توده مردم آگاهانه راه خود را و رهبری خود را انتخاب کرده باشند، وقتی که مردم نه بر پایه هو و نه جنجال و هیاهو، نه بر پایه فریب و نیرنگ و سو استفاده از احساسات و سنتها و عادات، بلکه بر اساس خط مشی و برنامه روشن و بی ابهامی که این یا آن نیروی انقلابی در جهت تحقق خواستهای آنان ارائه داده است، راه و رهبری وی را پذیرفته اند، یعنی وقتی آگاهانه به معنای واقعی آن گرد آن نیرو و سازمان سیاسی خلقی زده باشند، آنگاه این آگاهی خلق به معنای یک عامل نیرومند در مقابل نفوذ و رشد اندیشه و عمل عناصر سازشکار، فوست طلب و خرابکار در صفوف انقلابیون و سرانجام تسخیر نیروی انقلابی و مسخ جنبش خلق، عمل خواهد کرد.

اکنون که انقلاب ایران در مسیر بازگشت و شکست پیش میرود و مسئله رک نیرو برای شکست سلطه ارتجاع در حکومت و حل مسئله قدرت بسود انقلاب با تمام اهمیت خود در مقابل انقلابیون ایران قرار گرفته است، از نظر ما حل این مسئله حیاتی منوط به تشکیل جبهه متحد خلق است. جبهه ای که با برنامه و خط مشی روشن با شرکت عمده ترین نیروها ی ترقیخواه کشور تشکیل شده باشد. ایجاد یک چنین ائتلافی عمده ترین وظیفه انقلابی است. هم از این رو شریه "کار" ارتان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز مبارزه در این راه را عمده ترین وظیفه خود شناخته و مستمراً در راه حل مسائل و دشواری هایی که بر سر راه تکوین همه جانبه ائتلافی انقلابی واقعی و تشکیل جبهه متحد خلق، متشکل از همه نیروهای ترقیخواه کشور وجود دارد، کوشیده است و پیوسته است که این کوششها و مساجحات در هر شکل ممکن، تا زمانی که به هدف رسیده ایم باید ادامه یابد.

خلق ایران امروز چهار خواسته اساسی دارد. این چهار خواسته عبارتند از صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی. اولین بحثی که امروز در جنبش ترقیخواه ایران مطرح است بحثی بر همین شعارهاست. مسئله ایست که آیا نیروهای انقلابی و دمکراتیک خلق باید در عمل روزمره خود هر چهار خواسته اساسی خلق را طرح و تبلیغ و پیگیری کنند؟ آیا بیاهنگ خلق باید خلق را در عمل روزمره خود در جهت تحقق هر چهار خواسته اساسی اش سیج و رهبری کند یا باید فعلاً فقط روی برخی از آنها ایستاد؟ شعار صلح که پس از فتح خرمشهر هر روز بیشتر به خواست جدی تیر شده های وسیع خلق ما تبدیل شده است، اکنون در صدر شعارها و وظایف نیروهای انقلابی کشور قرار گرفته است. لکن این فقط نیروهای انقلابی نیستند که از قطع جنگ ایران و عراق پشتیبانی میکنند، جبهه مبارزه در راه صلح بسی وسیعتر است. بخشهایی از بورژوازی ایران نیز منافع خود را در ادامه این جنگ نمی بینند. در عرصه جهانی نیز علاوه بر کشورهای سوسیالیستی و نهضت های ترقیخواه برخی از دولت های ارتجاعی نیز از ادامه جنگ ریان می بینند. به همین دلیل خواهان قطع آن هستند. بنابراین اگرچه شعار صلح، شعاری است که کاملاً منافع مردم را بیان می کند، ولی صرف طرح شعار صلح به تنهایی معرّف خلقی بودن و انقلابی بودن نیروی مدافع آن نیست. بنابراین باید رسیدن دفاع از صلح، با کدام سیاست؟ حکومت جمهوری اسلامی به طرز ناجوانمردانه ای مدت ها ست تلاش می کند اینطور وانمود سازد که هرگز از صلح حرف بزند، حامی رژیم حاکم بر عراق

است و میخواهد موقعیت آن را مستحکم کند. و ما در این باره فکرمیکیم که سیاست "ادامه جنگ بهر قیمت" که در دوساله اخیر از طرف هیئت حاکمه دنبال شده، بیشترین کمک را به ارتجاع عراق کرده است. اگر جنگ در مقطع فتح خرمشهر از جانب ایران قطع و آتش بس پذیرفته می شد، مردم عراق بیشترین امکان و بهترین موقعیت را برای منفرد کردن ارتجاع عراق و استقرار یک رژیم دمکراتیک و خلقی بدست می آوردند. طرح شعار صلح از سوی صدام و شعار ادامه جنگ از سوی آیت الله خمینی در عمل به صدام امکان داده است به میزان زیادی از تفایلی آشکار و بر حق مردم عراق برای زندگی در پناه صلح و امنیت و از احساسات مبین پرستانه آسان بشود تحکیم موقعیت خود، استفاده کند. بنابراین اگر قرار باشد، روی اولین عاملی که در عمل به حفظ صدام کمک کرده است، انگشت گذاشته شود، باید به فشار جنون آمیز زمامداران جمهوری اسلامی ایران برای ادامه جنگ بهر قیمت، اشاره کرد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) قطع جنگ و برقراری صلح را هدف مقدم و مشترک همه نیروهای صلح دوست و مبین پرست کشور می شناسد. سازمان ما قطع نظر از اینکه این نیروها با کدام اهداف سیاسی و با کدام ابتکارات در راه قطع جنگ اقدام میکنند، حتی قطع نظر از اینکه مخالف رژیم هستند یا موافق آن، خواهان آنست که مساعی و مجاهداتشان برای قطع فوری جنگ و برقراری صلح بر اساس عدم تجاوز و حفظ تمامیت ارضی و عدم مداخله در امورد داخلی دو کشور تا هرگاه ممکن است، هماهنگ گردد. این هماهنگی یقیناً صلح را زودتر به مین ما باز خواهد گردانید. نه تنها هیچ پیشرفتی برای اشتراک مساعی و همکاری در راه بازگرداندن صلح به دو کشور وجود ندارد، بلکه باید تاکید کرد، کسی که برای این اشتراک مساعی پیش شرطی در نظر میگیرد، یقیناً هدف دیگری را جز برقراری صلح، هدف مقدم و مبرم خود قرار داده است. ما از فعالیت و از پیشنهاد هر کسی، هر نیرویی و هر کشوری که خواهان آتش بس، قطع جنگ و حل و فصل تمام اختلافات دو کشور از طریق مذاکره باشد استقبال خواهیم کرد. با این حال ما معتقدیم که نیروهای انقلابی می باید خیلی آشکار و صریح از مبارزه خلق عراق برای استقرار حاکمیتی انقلابی و دمکراتیک و مدگرانش در پیشرفت و برای اتحاد مساعی حمایت کنند. مخالف ما با زمامداران جمهوری اسلامی نباید پرده ساتری بر جنایات ارتجاع عراق علیه نیروهای مترقی عراق گردد. ما معتقدیم همبستگی با نیروهای خلقی و انقلابی عراق و یا هر کشور دیگر که مردم آن در راه استقرار رژیم انقلابی و دمکراتیک مبارزه میکنند، قطع نظر از تأثیر مثبت آن در مبارزه بخاطر صلح، یک وظیفه تاخیرناپذیر و انقلابی است.

مساله آزادی سیاسی خواست اساسی توده های خلق و از مهمترین شعارهای همه مخالفان حکومت جمهوری اسلامی است. سرکوب شدن و ناجوانمردانه ای که هیئت حاکمه ایران، علیه مخالفان سیاسی خود اعمال می کند، موجب اعتراض همه آنهاست. افشاکاری علیه این جنایات، همانند شعار صلح، طیف بسیار وسیعی از اقتدار و طبقات جامعه را جلب می کند. هرچقدر که دامنه و شدت سرکوب و خفقان حاکم بر کشور ما گسترش یابد، نیروهای وسیع تری علیه آن بسیج می شوند. به این ترتیب مسلماً همه کسانی که باوشیگری لجام گسیخته و آزادی کش حکام جمهوری اسلامی مخالفت می کنند، دمکرات انقلابی نیستند، طیف نیروی آزادیخواه اکنون بسیار وسیعتر از طیف نیروهای انقلابی است.

در رابطه با شعار آزادی باید به چند مسئله اساسی اشاره کرد: اول اینکه نیازهای مبارزه علیه سیاست سرکوب فاشیستی که حکومت آن را دنبال میکند، اتحاد عمل و همکاری همه نیروهای آزادیخواه در اقطار نظر از تفاوت در عقاید و یا تفاوت در خط مشی و یا تفاوت در سایر شعارهای آنها، اجاب میکند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) جنایات عوامل حکومت را علیه همه آزادیخواهان و مبارزان محکوم می کند و از آنان در برابر بی قانونی حاکمیت حمایت می کند.

ما مطابق برنامه ای که اعلام کرده ایم در راه تأمین حقوق و آزادیهای سیاسی، فردی و اجتماعی یعنی آزادی قلم، بیان، عقیده، آزادی مطبوعات، اجتماعات، تظاهرات و تشکیل احزاب سیاسی و اتحادیه های منفی و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در انتخابات برای همه نیروهای خلق، قطع نظر از اعتقادات و وجدانیات خاص مبارزه می کنیم. (برنامه سازمان ص ۲۲) برنامه ما همچنین خواهان تأمین و تضمین حق انتخاب آزادانه شغل، حق گزینش آزادانه محل سکونت، حق مسافرت، حق تابعیت و یا لغو آن، حق انتخاب آزادانه و بدون اکراه عقاید و ادیان و دفاع از آن، حق اعتصاب برای زحمتکشان، حق ارائه دادخواست و دفاع از محاکم و برخورداری از امنیت قضائی بر پایه رعایت بی خدشه اصل برائت و دیگر حقوق و آزادی های مردمی، فردی و اجتماعی است (برنامه سازمان ص ۲۲). برای اجرای این برنامه و یا حداقل فعلاً برای تأمین برخی از ضروری ترین خواسته های خلق در زمینه حقوق و آزادی های سیاسی، از جمله برای قطع شکجه و کشتار در زندانها و آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی کشور، لزوماً باید اتحاد عمل و همکاری جبهه ای مابین نیروهای مدافع آن برنامه گسترش یابد. سازمان فدائیان خلق ایران، همه نیروهای مترقی کشور را بدین کار فرا می خواند.

مروزی بر مواضع نیروهای حاکم و حتی جریانهای مخالف آن نشان میدهد، کسانی که طبق برنامه شان همکاری و اشتراک مساعی با کمونیستها را نمی میکنند، و با از آن هم بدتر، کسانی که علیه کمونیسم تبلیغ خود را دشمن آن معرفی میکنند، حتی اگر فریاد آزادیخواهی شان گوش فلک را هم کر کند، در این ادعای خود صادق نیستند. آنها هرچقدر که بیشتر در این راه پیش روند، به همان میزان بیشتر به سوی امپریالیسم و نازش با بورژوازی وابسته به آن کشیده می شوند. نه تنها در تجربه انقلاب ما، بلکه در همه جای دنیا، فرجام آنان چنین بوده است. درباره کسانی که در همکاری با کمونیستها "اما و اگر" قائل میشوند ولی از همکاری با عناصر ضد کمونیست و ضدشوروی استقبال می کنند نیز باید گفت، این شیوه برخورد اساساً از ناپیگیری در مبارزه علیه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به آن ناشی می شود. دمکراتیسم و ضد کمونیسم عمیقاً متضادند. درست همانگونه که کمونیسم سوسیالیستی با امپریالیسم سوسیالیستی در تضاد است. از عالیترین تجلیات دمکراتیسم انقلابی، پیگیری در اتحاد با کمونیستها است. تجربه تاریخ بلا استثناء نشان داده است دمکراتیسم های



بیش میروند، به همان اندازه از یک جریان ضدامپریالیستی و استقلال طلب دور میشوند. با صراحت باید گفت کسانی که این راه را به پایان برند هرگاه با زهم از استقلال و ایران و مرز و بومش صحبت کنند، فقط و فقط میخوانند از احساسات میهن پرستانه توده های خلق بسود تحکیم موقعیت خود و بر باد دادن استقلال میهن استفاده کنند.

جریانهای بورژوازی تلاش میکنند زیر پوشش جنایات بیسابقه ای که هیئت حاکمه علیه نیروهای مترقی کشور ما مرتکب میشود، امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را از مقام خود عزل و جای آن را در فکر نیروهای ترقیخواه به مثلاً "آیت الله خمینی" بسپارند. سیاستی که مبارزه علیه جنایات، تجاوزات و توطئه های امپریالیسم آمریکا و افزایش ماهیت ضد مردمی آن را مبارزه ای "فرعی" و "ناقص اهمیت" و "منحرف کننده" جلوه دهد، سیاستی که خطر امپریالیسم را در عرصه ملی و بین المللی نادیده گیرد، خلق را از نیات پلید امپریالیسم آمریکا و متحدینش اغافل نگاه دارد، حتی اگر همه این کارها به بهانه اهمیت مبارزه علیه اختناق انجام گیرد، از جمله تلاشهای انحرافی بورژوازی است که باید بدون هرگونه پرده پوشی و صلحت طلبی، همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی ایران علیه نفوذ آن در جنبش خلق مبارزه کنند.

خلق ما یک بار طعم تلخ امید دکتر مصدق به کمک آمریکا برای مقابله با ارتجاع دربار را چشیده است. نباید اجازه داد این تجربه تلخ تکرار شود. استقلال طلب پیگیر حق ندارد تضادهای خود با رژیم رابنهان مدارا و مفاشات با امپریالیستها قرار دهد. و یا فکر کند که هم میتواند ضد امپریالیست باقی بماند و هم در تمام امپریالیسم به سکو قدرت دست یابد. چشم امید داشتن و روی آوردن به امپریالیستها و فکری "قوی تر شدن" از این طریق فی نفسه فکری خطرناک است. بویژه وقتی این فکر در کنار فکر امتحان از تاکید روی اتحاد با متحدین جهانی انقلاب قرار گیرد، برای یک نیروی ضد امپریالیست مشخصا به فکری مملکت فرما می روید. رژیم منور شاه، به مثابه یک رژیم ضد ملی و عمیقاً وابسته به امپریالیسم سرانجام به این نتیجه رسیده بود که می بایست در رابطه با اتحاد شوروی، از سیاست حسن همجواری و احترام به حق حاکمیت طرفین پیروی کند. امروز نیز اپوزیسیون ضد انقلابی رژیم کنونی ایران، همان سیاست را با اتحاد شوروی اطمینان می دهد که اگر به قدرت برسد، از همان سیاست پیروی خواهد کرد. قدرت زیادی لازم نیست که تفاوت اطمینان سیاست را با سیاست کشورهای مترقی و ضد امپریالیستی مقایسه کنیم و دریابیم که چگونه معنای سیاست اول است که قدرت سوسیالیسم و استواری خدشه ناپذیر آن را درک میکند و توطئه علیه آن را بسود خود نمی بیند و دومی، قدرت سوسیالیسم را پشتوانه نیرومند و مطمئن خود در پیکار علیه امپریالیسم و در راه کسب استقلال همه جانبه ملی می شناسد و بر همین اساس اتحاد شوروی را دوست مطمئن و نیرومند خود اعلام میکند. عناصر ترقیخواه هرگاه به مردم فقط بگویند: "ما خواهان حسن همجواری با اتحاد شوروی هستیم و از آموختن این حقیقت بزرگ به مردم که سوسیالیسم تکیه گاه مطمئن انقلاب رهاش بخش ملی و دمکراتیک خلق ماست اجتناب نکنند یا ناگاهانه تحت تاثیر القافات ضد کمونیستی و ضد شوروی قرار گرفته اند و یا آگاهانه از بیم واکنش منفی امپریالیسم و بورژوازی غربگرا به سود خود می بینند که حقایق را در این زمینه فعلا از مردم پنهان کنند.

طرح توخالی شعار استقلال، بدون ارائه یک برنامه روشن برای تأمین استقلال هیچ مسئله ای را حل نمی کند. اگر بپذیریم که در دوران ما که نظام استعماری کهن فرو پاشیده است، تا تأمین استقلال اساساً معنای تأمین استقلال اقتصادی کشور و قطع وابستگی آن به سیاست جهانی امپریالیستی است، باید سازمان تحت رهبری خود و تمام نیروهای انقلابی و همه خلق را دائماً و مستمر و پیگیرانه از اقدامات و راه حل های که استقلال کشور ما را مستقل میکنند، آگاه کنیم و نشان دهیم که کدام قراردادها و سیاستهای رژیم، اقتصاد ما را وابسته و وابسته تر میکند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مبارزه علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را عرصه اصلی نبرد خلقهای ایران را راه تأمین استقلال همه جانبه کشور می شناسد. افشای امپریالیسم و وظیفه روزمره و تعطیل ناپذیر ماست. ما هم در برنامه خود وهم در پراتیک روزمره خود نشان داده ایم و میدهیم که ضد امپریالیست و میهن پرست پیگیر هستیم. مردم ایران نیازی ندارند که این یا آن بلوک امپریالیستی ما را پشتیبان اهداف خود احساس کنند و دست دوستی به سویمان دراز کنند. ما تلاش میکنیم هم میهنان خود را با روحیه ضد امپریالیستی پرورش دهیم. وقتی این روحیه و شناخت در میان توده های وسیع خلق رسوخ میکنند به نیروی مادی بدل میشود، همین نیروی مادی است که فردا تکیه گاه انقلاب خواهد بود.

و بالاخره درباره عدالت اجتماعی، شعار عدالت اجتماعی اساسیترین شعار است که بین یک دمکرات انقلابی که میکوشد منافع اقشار بافینیسی جامعه را منعکس کند و بورژوازی رفرمیستها، بورژوازی ملی ها، بورژوازی کمپرادورها و غیره، که از منافع اقشار بالایی جامعه دفاع میکنند خط و مرز می کشد. ما برای اینکه تشخیص دهیم که این یا آن نیرو چه اندازه به مواضع انقلابی - دمکراتیک نزدیک شده است، در آخرین تحلیل نگاه میکنیم ببینیم که در راه انجام کدام تحولات بنیادین اجتماعی - اقتصادی مبارزه می کند و مبارزه او در راه نیروی مردم زحمتکش تا چه حد پیگیرانه و برجسته است؟ ما نگاه میکنیم ببینیم در سخن روزانه، در نشریات و در کار تبلیغی تا چه حد علیه نظام سرمایه داری و درباره ضرورت براندازی بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری صحبت میکند؟ آیا به نیروهایی که جذب میکند دقیقاً و آموزد که با مسئله زمین، بازرگانی خارجی، صنایع بزرگ، بانکها و غیره چه خواهد کرد؟ آیا تبلیغ و ترویج برنامه انجام اصلاحات بنیادین اجتماعی - اقتصادی را یکی از عمده ترین عرصه های گسترش فعالیت انقلابی خود می شمارد یا اینکه این کار را نمیکند و فقط به شعارهای تاکتیکی و روبنایی اکتفا میکند؟

ما این کافی نیست که فقط در برنامه از اصلاحات ارضی نام برده شود. یا در جایی از شعار جامعه بی طبقه و بی استثمار صحبت شده باشد. مبارزه در راه عدالت اجتماعی مبارزه ایست بی وقفه و روزمره. و تا زمانی که به جامعه بی طبقه نرسیم، بنیادی ترین شعاری است که از سوی نیروهای انقلابی دنبال می شود. یک سازمان انقلابی باید وظایف روزمره اعضا و بقیه در صفحه ۶

انقلابی که از ترس "منفرد شدن" یعنی در واقع از ترس امپریالیسم و بورژوازی در اتحاد با کمونیستها از خود ناپیگیری نشان دهند، فرجام این ناپیگیری بناچار، غلبیدن به مواضع غیر دمکراتیک و غیر انقلابی است. دیگر اینکه دمکراتهای انقلابی و کمونیستها هرگز خود را در سطح آزادیخواهی بورژوازی قرار نمی دهند. اعتراض به سرکوب و خفقان و یا ارائه برنامه برای تأمین حقوق و آزادیهای سیاسی تمام وظایف ما را در زمینه تأمین حقوق و آزادیهای سیاسی و اجتماعی برای توده های محروم از آزادی شامل نمی شود. خط و مرز آزادیخواهی ما با آزادیخواهی بورژوازی و اپوزیسیون ارتجاعی در آن نیست که ما بیشتر علیه جنایات حکومت اعتراض می کنیم و آنها کمتر و یا بالعکس. خط و مرز ما در آن است که ما برای تأمین آزادی برای توده های وسیع مردم زحمتکش مبارزه می کنیم. بهمین دلیل علاوه بر اعتراض به جنایات حکومت و افشای ماهیت ضد دمکراتیک آن با تمام نیرو می کوشیم تا زحمتکشان متشکل شوند. کارگران و دهقانان دریابند که تنها وقتی به سلاح نیرومند متشکل و آگاه مجهز باشند قادر خواهند بود از حقوق و آزادی خود دفاع کنند. در حالی که اپوزیسیون ارتجاعی و بورژوازی نه تنها با شکل توده زحمتکشان خود را درگیر میکند، بلکه ذاتاً از شکل زحمتکشان، حتی از بردن فکر متشکل هم به میان زحمتکشان، می هراسد.

شاه وقتی قدرت داشت، جلاد خلق بود. وقتی که خلق قیام کرد، لایه - نامه نوشت، آزادیخواه و دمکرات! شد اکنون هم سلطنت طلبان که با این حکومت مخالفند، می کنند وعده های پوچ آزادی می دهند. همین ماهم که امروز کشور را تاراج و ویران می کنند. دیروز که در زندان های شاه و در تبعید بودند، خیلی علیه اوین و شکنجه و اعدام حرف می زدند. اما وقتی اعتماد مردم آنها را به قدرت رساند، با مردم صدها بار بدتر از آن کردند. آیت الله خمینی قبل از پیروزی انقلاب تنها علیه جنایات ساواک اعتراض میکرد و به مردم وعده آزادی می داد، بلکه همان وقت صراحتاً گفته بود اگر به حکومت برسد به کارگران اجازه داد متشکل شوند و از حقوق خود در برابر کارفرمایان و دولت دفاع کنند. او تاکید کرده بود در حکومت اسلامی مارکسیستها در بیان عقاید خود آزادند. حتی در قانون اساسی هم تاکید کردند که مردم آزادند، شکل های سیاسی و صنفی خود را بوجود آورند. اما آیت الله خمینی و پیروانش کجا تلاش کردند توده های کارگر و دهقان را در سازمانهای مستقل خود بسیج و متشکل کنند؟ آنها با توده ها "رابطه یک طرفه" داشتند. یعنی گروه مردم را دعوت به مبارزه می کردند، اما بهترینشان کاری به شکل آنها نداشتند و بدترینشان مانع شکل توده ها و تجهیز آنان به برنامه انقلابی بودند. آنها البته کوشش میکردند اراده شان توسط مردم جاری شود. اما اجازه نمی دادند و یا سعی خواستند تابع اراده خلق گردند. آنها نمی خواستند مردم به وسایلی (سازمانهایی) مجهز باشند که قدرت عزل رهبران خائن و مرتد و بی کفایت را داشته باشند و از آزادی عمل توده های پایداری کنند. تجربه انقلاب ما و مبارزات سایر کشورها نشان می دهد که مردم زحمتکش جز به اتکال قدرت و اراده مستقیم، مستقل و متشکل خود به اتکال هیچ نیروی دیگری نخواهند توانست از آزادی خود دفاع کنند. امروز گرچه آزادیخواهی بورژوازی و آزادیخواهی انقلابی هر دو با اختناق موجود مخالفت می کنند، اما تمایز واقعیتان محرز است. سازمان انقلابیون نه تنها پیروان خود و توده های وسیع خلق را با ایده و ضرورت شکل آشنا میسازد، بلکه خود علیه تمام مشکلات در این راه پیگیرانه می رزد. انقلابیون دمکرات با صراحت و شجاعت و بنا به ماهیت بخیرخواه همگاری و اتحاد عمل با کمونیستها استقبال می کنند و از آن صیبرانند. بورژوازی رفرمیستها نه اتحاد با کمونیستها را می پذیرند و نه توده های مردم زحمتکش را به سلاح نیرومند مسلح میکنند.

بار دیگر تصریح می کنیم، امروز وظیفه عاجل و درنگ ناپذیر، مهار و شکست سیاست سرکوب فاشیستی و وحشیانه ای است که حکومت دنبال می کند. این کار فقط با تشدید اعتراض و مبارزه علیه آن امکان پذیر است. سازمان ما از همگاری و اتحاد عمل با تمام نیروهای که خواهان قطع شکنجه و کشتار در زندانهای جمهوری اسلامی و آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی و لجام زدن به خوسری های حاکم جمهوری اسلامی دیرخورد را از آزادی های فردی و اجتماعی هستند، قطع نظر از اینکه آنان این مبارزه را به کدام شکل و با چه عقیده ای پیش می برند و یا در سایر شعارها هم با ما هم سو هستند یا نه، استقبال می کند.

بدین ترتیب لزومی ندارد که کسی حتماً دمکرات انقلابی یا کمونیست باشد برای اینکه از شعارهای صلح و آزادی دفاع کند. می توان لیبرال، سوسیال دمکرات، رفرمیست و بورژوا بود و از این دو شعار هم بطور کلی در عمل طرداری کرد. اما باید تاکید کرد برنامه ای که خود را در چارچوب این دو شعار محدود کند، یک برنامه انقلابی نیست. آنچه که امروز در کشور ما برنامه و خط مشی انقلابی را از برنامه و خط مشی بورژوازی رفرمیستی متمایز می کند، در اساس شعارهای استقلال و عدالت اجتماعی است. در دوران ما که فریبکاری کامل سیستم استعماری به پایان رسیده است، در کشورهای رندیا بنده تقریباً هیچ جریان سیاسی معینی را نمیتوان یافت که خود را مدافع استقلال و تمامیت ارضی کشور خویش اعلام نکنند. حتی شاه پرستان کشور ما نیز به دیروز، چه امروز خود را مدافع استقلال جا میزنند و تمامیت ارضی کشور را در صدر برنامه خود قرار داده و شعار میدهند: "ایران هرگز نخواهد مرد" و یا "چو ایران نباشد تنسن نه میاد!" مقامات جمهوری اسلامی هم مدام از "خودکفایی" و از "نه شرقی، نه غربی" دم میزنند. کم نیستند محافظان سازشکار تسلیم طلب و فرسوده ای که، هنوز هم عنوان ملی را به دنبال نام خود یکدک میکنند. ولی کدام یک از اینها راست می گویند؟ جریانهایی که پیروان خود را با وظایف مشخص مبارزه در راه استقلال مشخص نکنند و به آنان نیا موزند که امروز استقلال واقعی کدامست و چگونه تأمین میگردد، جریانهایی که نمیگویند چه نیروهای و چگونه از تأمین استقلال جلوگیری میکنند، جریانهایی که از معرفی دشمن اصلی استقلال واقعی کشور ما ظفره میروند و در شمارهایان مرگ بر آمریکا را فراموش میکنند، جریانهایی که دوستان و دشمنان استقلال کشور را هم طراز و یک کاسه میکنند و روح دشمنی با حامیان استقلال میهن ما را رواج میدهند، به همان اندازه که در این راهها

فدائین انقلابی و مسئله تبلیغ سیاسی در وضعیت کنونی

گسترش و زرفش پیوند پیشرو انقلابی با جنبش توده‌ها و گسترش و تحکیم رتباط و اتحاد میان سازمان‌های انقلابی و مردمی، با هدف تشکیل جبهه متحد خلق، دو وجه وظایف هر فعال انقلابی در راه تأمین شرایط ذهنی ضروری برای پیروزی جنبش انقلابی کشور است. انجام پیروزمندانه این وظایف فطری در گرو آنست که پیشرو انقلابی ایمان و رزمندگی را با شناخت درست شرایط و گریز مناسب‌ترین شکل‌های مبارزه همراه سازد. در این راستا یافتن موثرترین اشکال تبلیغ سیاسی در میان توده‌ها، به گونه‌ای که بتواند در کوتاه‌ترین زمان بیشترین نیرو را در سمت‌آماج‌های مشخص انقلابی بسیج کند، اهمیت اساسی دارد. آگاهی ژرف بر ضرورت و نقش تبلیغ سیاسی در ورود پیکار و پویش پیشروی انقلابی، فعالین جنبش انقلابی ما را توانا می‌سازد تا وظایف بسیار مهم و غیرقابل تعویض و تفویض خود را در این زمینه به خوبی بشناسند و با خلاقیت لازم انجام دهند. تبلیغ سیاسی رکن بسیار مهم مبارزه پیشرو برای آگای ساری وسیع توده‌ها در سمت‌آماج‌های انقلابی است. رهبران و آموزگاران طبقه کارگر همواره بر این امر تأکید کرده‌اند. لنین در اثر برجسته خویش "چه باید کرد؟" ضمن تشریح چگونگی و اهمیت تبلیغ سیاسی و افشاکاری سیاسی می‌گوید: "در باره دعوت توده‌ها به عمل باید بدقت که در صورت انجام تبلیغات سیاسی بتواند و افشاکاریهای زنده و چشمگیر این دعوت نیز خود تحقق خواهد پذیرفت" لنین تصریح و تأکید میکند که ما باید: "... افشاکاری سیاسی و تبلیغات سیاسی را ژرف سازیم، بگستره سازیم و تقویت کنیم." (چه باید کرد؟)

تخلیق اشکال فعالیت‌علنی و مخفی در محیط‌های کار و زندگی توده‌ها و فعالیت تبلیغی وسیع در سطح جامعه یکدیگر را تکمیل می‌کنند. چگونگی کار سازمان‌گرا نه و تبلیغی فدائیان برای بسیج هر چه بیشتر کارگران در جریان مبارزه آنها علیه "قانون کار" ارتجاعی حکومت (قانون گسار تولکی) یک نمونه برجسته و آموزنده در این زمینه است. فدائیان و توده‌ایها هم زمان، هم با حضور خود در مراکز شکل و تجمع کارگران روم با تبلیغ وسیع از طریق پخش نشریات، اعلامیه‌ها و تراکت‌ها و سردن شعار روی دیوارها در محیط‌های کار و زندگی نقش بسیار جدی در بسیج کارگران، درهم شکستن توطئه تولکی و شرکاء و افشای آنان و ناچار ساختن حکومت به پس گرفتن "قانون کار" ارتجاعی ایفا کردند. این نمونه بخوبی نشان میدهد که چگونه اشکال و مضامین مناسب مبارزه پیشرو انقلابی واقعاً قادر است در توده‌ها نفوذ کند و به نیروی مادی توده‌ای بدل گردد. این نمونه‌ها نشان میدهد که هرگاه اشکال صحیح مبارزه انتخاب شود و مضامین آن با منافع توده‌ها پیوند خورد مردم وسیعاً تحت تأثیر فعالیت پیشرو انقلابی قرار می‌گیرند و پیام او را به سرعت دریافت میکنند و مورد استفاده خود قرار میدهند. لنین می‌گوید: "یکی از شرایط اساسی گسترش واجب تبلیغات سیاسی، سازماندهی افشاکاریهای سیاسی در همه زمینه‌هاست. فقط این افشاکاریها می‌توانند توده‌ها را آگاهی سیاسی بپدید آورند و آنها را به فعالیت انقلابی برانگیزند. بدین جهت فعالیت در این زمینه یکی از مهمترین وظایف تمام سوسیال‌دمکراسی بین‌المللی است" لنین تصریح میکند که: "افشاکاریهای سیاسی همه‌جا به شرط ضرورت و بنیادی پرورش توده‌ها برای فعالیت انقلابی است (چه باید کرد؟). در پرتو این رهنمودها و با استفاده از تجارب مشخص جنبش

رهنمود به اعضاء و هواداران :

- پخش تراکت را با استفاده از همه امکانات و با هزایتکاری که دارید در سطح شهر گسترش دهید.
- شمارهای سازمان را به روشی مناسب در محل‌های مناسب روی دیوارها بچسبید. آنها را بصورت تراکت هم تهیه و تکثیر و پخش کنید و یا روی دیوارها بچسبید.
- در پخش تراکت و شعاریوسی از امضای فدائیان خلق - اکثریت یا فدائیان - اکثریت استفاده کنید.
- اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های سازمان و هم چنین مقالات مهم نشریه کار را به طریق که برایتان امکان پذیر است تکثیر و آنها را وسیعاً پخش کنید. در محل کار و در محلات و در نقاط تردد مردم بریزید، در خانه‌ها بپندارید، پست کنید.
- در صورت داشتن امکان نشریه کار را تکثیر و از طرق سنجیده آن را توزیع کنید.
- در صورتیکه نشریات فوق را در حد توان پخش خود از تشکیلات دریافت نمی‌کنید در صد تکثیر آنها بر آید. بویژه در شهرستانها اگر نشریات از کانال تشکیلات دیربستان می‌رسد یا نیاید، بعضی توزیع آنها اقدام کنید.
- تهیه و تکثیر تراکت‌ها و نوشتن شعارها را مکرراً و برای چندین ماه ادامه دهید.

در شرایط کنونی کشور ما دشمنان نیروهای انقلابی موثرترین و فراگیرترین و... تبلیغ را در جنگ خود ۵ هاند و برای تحمیل و به بیراهه کشیدن مردم آنها را بکار می‌گیرند. رادیو، تلویزیون، انواع نشریات، مجامع و نهادها ی دینی، همه سیستم آموزشی کشور و دهها امکان فراگیر دیگر در خدمت تبلیغات ضدت ستم‌وار ارتجاعی آنهاست. از سوی دیگر، حکومت مبنی بر اصولی اسلامی همه امکانات قانونی و همه حقوقی سازمانهای انقلابی را با یمال کرده است. حکومت ایران تازه ترین فنون سرکوب و گشتنار و پلیدترین اشکال تزویروپا و بیسابقه‌ترین بیگانگیها را علیه انقلابیون و میهن - پرستان به‌کار می‌گیرد. در سراسر تاریخ ما سرکشور ما هرگز باورها و اسامات مردم، اینگونه علیه منافع آنان بکار گرفته نشده. رهبری جمهوری اسلامی می‌کوشد تا با شلاق و سرنیسه

رهنمود به اعضاء و هواداران که بهر دلیل ارتباط آنها با سازمان قطع می‌شود

- ادامه فعالیت انقلابی را موکول به وصل ارتباط با سازمان نکنید. بهمراه رفقای که کار می‌کرده اید یا رفقای که می‌شناسید در گروه‌های کوچک به فعالیت خود ادامه دهید.
- تهیه و تکثیر و توزیع نشریات سازمان را جزو وظایف خود قرار دهید.
- از برقراری ارتباط یا اقدام با گروه‌ها خودداری کنید.
- برای برقراری ارتباط با سازمان اقدام کنید. بدین منظور می‌توانید از طریق مراکز ارتباطی سازمان در خارج از کشور هم اقدام نمایید.
- نظرات، پیشنهادها، اخبار و گزارشهای مفید خود را به هر طریق ممکن برای نشریه کار یا اکثریت ارسال کنید.
- انقلاب ضرورتاً راه خود را از میان دشواریها باز میکند. شط‌خروشان و جوشنده‌ای که بسوی دریا آزادی می‌شاید قادر است به صخره‌های بس عظیم‌تر از آنچه که امروز ارتجاع ایران فرا رویش قرار میدهد را از جا ببرد.
- فدائیکاران و بی‌وقفه ما با این تاریکی‌هایی که می‌خواهد بر فراز کشورمان بال گستراند بی تردید بهاران و سیزه‌زاران را از آن منا خواهد ساخت.

شعبه مرکزی تشکیلات، شعبه مرکزی تبلیغات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

برای شناخت همه سویه تر وظایف در زمینه تبلیغ سیاسی، بررسی چگونگی انجام این وظایف در دوره‌های مختلف تاریخ سازمان و مقایسه وظایف امروز با آنچه دیروز انجام داده است ضروری است. نخستین دوران تاریخ سازمان ما، در شرایط کمترین تحرک مبارزاتی توده‌ها، بیشترین فشار و سرکوب‌رزم وابسته و بالاترین میزان سنگینی سازمانهای انقلابی در آن زمان چگونگی آگای سازی توده‌ها و تأمین ارتباط پیوند ضروری با آنها بود. بنیانگذاران سازمان ما با همین هدف "تبلیغ مسلحانه" را بعنوان "استراتژی و تاکتیک" پیشرو انقلابی بکار بستند. "مبارزه مسلحانه" در آن زمان انعکاس منطقی و عینی تکامل اشکال مبارزه توده‌ها نبود و با مبارزه واقعی آنها انطباق نداشت. این شکل مبارزه، علیرغم هدفهای انقلابی و ایده‌آل‌های عمیقاً مردمی، برای توده‌ها نامفهوم و اساساً غیرقابل گزینش و تکرار بود. ونمی توانست آگاهی طبقاتی و انقلابی به توده‌ها بدهد. هدف و برنامه پیشرو انقلابی را به آنها معرفی کند، مبارزه روزمره آنان را رهبری کند و توده‌ها را سازمان دهد و به حربه شکل مجب سازد. از این نظر گرچه عمل مسلحانه ما در آن شرایط خفتان و سرکوب‌پرطنین بود و حضور پیشرو انقلابی رادر سطح وسیع منعکس میکرد، اما در عمل مانع پیوند سیاسی و تشکیلاتی پیشرو انقلابی با توده‌ها بود و میان توده و پیشرو سدی خودساخته می‌گشاید، تجربه گذشته نشان داد که این پیوند سیاسی و تشکیلاتی تنها به نیروهای برقرار می‌شد که در شعاع تبلیغات سیاسی کنی و شفاهی و ارتباط مستقیم با ما قرار می‌گرفتند. ما از یک سو همرا با گسترش ابعاد جنبش توده‌ای و از سوی دیگر همرا با سیر زرفش اندیشه مارکسیستی در سازمان در سالهای ۵۶ و ۵۷ روش‌های تازه‌تر و تازه تر مبارزه و تبلیغ سیاسی و توده‌ای را بکار گرفتیم و به کار سازمان‌گرا نه در میان زحمتکشان نیز روی می‌آوردیم. رزمندگی و ایثار انقلابی ما در برابر رژیم شاه بشابه یک عامل نیرومند ایجاد اعتماد و علاقه راه ما برای گسترش نفوذ توده‌ای سازمان هموار میکرد. در دوره خیزش توده‌ای و شعله ور شدن انقلاب، برجسته‌ترین موثرترین حرکت ما و حزب توده ایران شرکت فعال و ایثارگرا نه در انقلاب بود. رهنمود فدائیان مبارت بود از شرکت هرچه فعالتر در همه عرصه‌های پیکار توده‌ها، نبرد مسلحانه در شرایط درگیری تهرآمیز مردم با نیروهای

با دروغ و تزویر و اشاعه باورهای پوچ و خرافات، بین مردم و پیشرو لابی دیوار غیرقابل عبوری بنا کند. در چنین شرایطی شناخت و کاربست موثرترین شکل‌های تبلیغ سیاسی برای غلبه بر همه این موانع با زهم اهمیت بیشتری کسب می‌کند. رفتن میان توده‌ها، برقرار کردن ارتباط مستقیم با آنها، تبلیغ و ترویج برنامه و سیاست پیشرو انقلابی، کوشش برای متشکل کردن کارگران و زحمتکشان پیشرو در هسته‌های انقلابی پنهان بمنظور رهبری مبارزات منظمی و سیاسی آنها، بکار انداختن همه امکانات برای برپا کردن تشکلهای صنفی مستقل کارگران و زحمتکشان، شرکت در همه تشکلهای موجود - چه فرمایشی و حکومتی و چه غیر آن - بمنظور گسترش ارتباط با زحمتکشان و قرار دادن امکانات این تشکلهای در خدمت مبارزه آنها، بخشی از مهمترین وظایف عنصر پیشرو است. تلاش حکومت این است که با ایجاد انواع موانع، برقرار کردن سیستم‌های جاسوسی در کارخانه‌ها و ادارات، انجام آزمایشهای "ایدئولوژیک" سیاسی و عملی (مثل فرستادن به جبهه‌ها) و دهها شگرد دیگر رزمندگان آگای و انقلابی را شناسایی و از کارخانه‌ها و ادارات و دیگر نهادها، بیرون کند و فعالیت انقلابیون را در این محیطها بپندد. هنر پیشرو انقلابی این است که بر این هفت‌خوان جمهوری اسلامی چیره شود و مواضع خود را در محیط‌های کار و فعالیت زحمتکشان محکم سازد و گسترش دهد. فدائیان خلق بر اهمیت بنیادین این وظایف انقلابی در روند آگای سازی، بسیج و سازماندهی زحمتکشان تأکید دارند. اما چنانچه همانک با این اقدامات به تبلیغ سیاسی وسیع در سطح جامعه نپردازیم، چنانچه خلاقانه در برابر همه امکانات و تلاشهای تبلیغاتی حکومت اشکال فراگیرتر تبلیغ سیاسی را مورد تأکید قرار ندهیم و پیشرو انقلابی را در سطح جامعه و به‌شکلی غیر قابل کتمان مطرح نسازیم، امر آگای سازی و بسیج توده‌ها در مقیاس توده‌ای میسر نخواهد شد. تبلیغ سیاسی با نمود آشکار و ظنین لازم یعنی آن شکل تبلیغ سیاسی که فراتر از روابط مشخص محدود و مستقیم، بین پیشرو و جمع وسیعی از توده‌ها ارتباط برقرار می‌کند و توده‌ها را بصورت جمعی مخاطب و تحت تأثیر قرار می‌دهد موثرترین شکل تبلیغ سیاسی است. چنانچه فعال انقلابی بتواند از این راه بنحو موثر با تبلیغات ارتجاعی مقابله کند و برنامه و سیاست سازمان خود را به میان توده‌ها ببرد، زمینه برای انجام دیگر وظایف بنیادین پیشرو و در راستای بسیج سازماندهی توده‌ها نیز هموار و هموارتر میشود. کار سازمان‌گرا نه و تبلیغی از طریق

مؤثرتر به خدمت گیرند. توزیع شناسه، پخش تراکت بصورت وسیع، شعارنویسی روی دیوارها - در محل های تردد و محیط های کار - تاکتیک پخش غیرمستقیم نشریه کار و دیگر نشریات سازمان (در خانه ها، محلات، محیط های کار و اجتماعات)، بعنوان مؤثرترین شکل فعالیت تبلیغی باید هرچه گسترده تر بکار گرفته شود. از طریق بکارگرفتن این تاکتیک ها و پیشبرد امر تبلیغ سیاسی در سطح جامعه، ما میتوانیم به خفقان را بشکافیم، پرچم سازمان را بلند و بلندتر برافرازیم و زمینه را برای کار توده های هرچه وسیعتر تا مین بپویند ضرور با مبارزات توده ها فراهم سازیم.

در شرایطی که ما از امکانات ناشی از پیروزی انقلاب، برای طرح نظرات و مواضع سازمان در جامعه برخوردار نیستیم و زیر شدیدترین پیگردها قرار داریم، و درست در همین شرایط است که باید بازم بیشتر بر اهمیت کار بست تاکتیک های فوق تاکید ورزیم.

اگر تصور شود در شرایط اوج گیری سرکوب تنها باید به کار توده های از طریق فعالیت در محیط های کار و زندگی مردم و گسترش روابط مستقیم با آنان اکتفا ورزیم، و اگر درک نشود که رها کردن تبلیغ سیاسی برنمود در سطح جامعه خواست حکومت و دشمنان است و وظیفه ما خنثی کردن فوری و شجاعانه این توطئه است، به خطایی مرگ بار دچار شده ایم. بخوبی آگاه باشیم که تبلیغ سیاسی وسیع در سطح جامعه، همانطور که مؤثرترین شکل فعالیت تبلیغی در شرایط امروز است، مؤثرترین عامل در خدمت گسترش فعالیت نیروهای ما در محیط های کار و زندگی توده ها است. برای گسترش فعالیت سازمان نگارانه در محیط های کار و زندگی توده ها و درون تشکل های موجود، باید پرچم تبلیغ سیاسی در سطح جامعه را به کشف و بر سبب و نقش فعالیت انقلابی سازمان در بزورش انقلابی نیروها در بیداری خلق و تجبیز آنان به مضمون سازمانی طرح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی تا هرحد ممکن بیفزائیم. باید نیروی شجاعت انقلابی را الهام از تاریخ پر حماسه و ایثارمان بکار گیریم و آنرا جایگزین امکاناتی سازیم که رژیم از ما سلب کرده است کمونیست ها در طول همواره نشان داده اند که نابودی امکانات علنی و قانونی هرگز نمیتواند آنرا نابود کند. در سیاهترین شرایط هم، هر کمونیست با عزم و رزم خویش مشغلی میشود فرا راه مردم و با دلیری و جانبازی پرچم افراشته حزب و سازمان را پاس میدارد و پیامش را در جامعه و میان توده های میلیونی طنین انداز میکند.

با کدام برنامه؟ با کدام خط مشی؟ بقیه از صفحه ۴

هوادارانش را در مبارزه به خاطر عدالت اجتماعی معین کند و آنان را با روحیه فدرسرمایه داری تربیت کند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوت) حداکثر تلاش خود را بکار گرفته است که توده های خلق را برای تحقق خواست های اساسی شان بسیج و آگاه کند. ما روی غارتگری، تجار، روی مظلوم فئودالها، روی بهره کشی بیرحمانه سرمایه داران پیگیرانه تبلیغ کرده و خواهیم کرد. ما کارگران و دهقانان را با حقوق خود آشنا میکنیم. ما تلاش میکنیم که نیروی مردم به نیروی اطلاعات ارضی، به نیروی ملی شدن بازرگانی خارجی، به نیروی قانون کار مترقی، به نیروی تکیه بر بخش دولتی و بطور کلی به نیروی ضد کلان سرمایه دار و بزرگ مالک و در تحلیل نهایی به نیروی فدرسرمایه داری و نیروی سوسیالیسم فراروید. تا فردا که مسئولیت اداره کشور بر عهده ما و یا هر جریان خلقی دیگر قرار گیرد، نیروی خلقی مانع پشت کردن آن به انقلاب و سازش با کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان گردد.

این مسایل هیچکدام مسایل مربوط به بعد از شکست سلطه ارتجاع و تشکیل یک دولت جدید نیستند. اینها همه وظایفی است که همین امروز باید انجام شوند، تا فردا کسی که قدرت را در دست می گیرد، نتواند "دولت حامی اعیان و ضد زحمتکشان" را به زحمتکشان تحمیل کند. وظایف این دولت هرگز فقط محدود به صلح و تامین آزادی احزاب و سندیکاهایت، ما امروز در راه شکست سلطه ارتجاع در حکومت و سپردن قدرت به بدست نیروهای مترقی مبارزه میکنیم، اما مصادره سرمایه های کشور و وابسته، لغو بزرگ مالکی و هم چنین براندازی مواضع انحصار انامیرالیستی و قراردادهای اسارت بار همه و همه وظایف تاخیرناپذیری هستند که باید توسط همان دولت انجام شوند، هیچکدام از اینها وظایفی نیستند که به بعد از تشکیل مجلس موسسان و تدوین قانون اساسی و تشکیل مجلس شورای جدید و تصویب آن موکول شوند. درست همانگونه که لغو اختناق و تامین آزادی سیاسی و قطع جنگ و تامین صلح و یا تامین خودمختاری برای کردستان و دیگر ملیتهای تحت تسلط هم هیچکدام به تشکیل مجلس شورا و تصویب آن موکول نمیشوند. تعرض انقلاب به مواضع امیرالیسم، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان نباید به بعد از تشکیل مجلس شورای جدید موکول گردند. قدرت مردمی نه تنها حق دارد به این مواضع تعرض کند، بلکه اساسا خدمردمی بودن آن با همین تعرض سنجیده میشود. وقتی توده های قیام کننده در مبارزه علیه حاکمیت خود مستقیما اراده و خواست خویش را برای نابودی بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری اعلام کرده باشند، از دیدگاه یک دمکرات انقلابی در واقع مقدس ترین و قطعی ترین قوانین لازم الاجرا را رقم زده اند. قوانینی هزار بار معتبرتر از آنچه که در این یا آن مجلس میگردد. دمکراتهای انقلابی که میخواهند از منافع زحمتکشان بطور کلی دفاع کنند، نباید اجازه دهند که فقط خواستهای بورژوازی همان فردای پیروزی اجرا شود و تحقق خواستهای زحمتکشان که بعد موکول گردند. ما باید از انقلاب بهمین درس بگیریم. مبارزه خلق ما، مبارزهای استدرراه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی. امروز این چهار شعار بطور جدی به یکدیگر مربوط شده اند، گذشت زمان بازم آنها را بیشتر به یکدیگر مربوط میکند. انقلابی پیگیر کسی است که برای تحقق همه این شعارها مبارزه میکند. خط و مرز یک انقلابی واقعی با یک بورژوازی لیبرال و پیک "مشروطه خواه" در این نیست که امروز یکی میگوید "مرکز خمینی" و دیگری نمیگوید، و یا یکی میگوید: "باید سلطانه علیه رژیم جنگید" و دیگری موافق این می نیست. خط و مرزهای واقعی در برنامهدرخط مشی با شعارها و سیاستها کشیده میشود. این خط و مرزها در اساس به این باز میگردد که؟ خط و برنامه و خط مشی ما جا و مقام استقلال و عدالت اجتماعی کجاست؟ خط و مرزها در وهله اول به این باز میگردد که فریاد اعتراض ما علیه امیرالیسم، علیه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان تا چه حد رسا و پرتنید است.

رژیم، اشاعه شعارهای انقلابی، برانگیختن مردم برای دست یازیدن به اقدامات هرچه قاطع تر جهت سرنگونی رژیم و گسترش نقش رهبری پیشرو انقلابی در این روند. تلاش برای رهبری هرچه مؤثرتر، تحریم ها و اعتصابات همگانی، حضور انقلابی در صف مقدم نظارات درگیری های خیابانی و پیروید سلطانه با نیروهای رژیم و انعکاس وسیع اقدام انقلابی ما در میسان توده ها در عالیترین و مؤثرترین عامل گسترش فدائیان با مبارزات توده ها در تمام طول تاریخ سازمان بوده است. ما یکشنبه راه چندساله بپیمودیم، چون توده ها چنین می کردند. ما موقعیت انقلابی را درست و بجای تشخیص دادیم و به همه مبارزین و انقلابیون پیام دادیم که "قیام را بیاور کنید" تشخیص و تصمیم درست ما، عشق و جانبازی ما در راه توده ها و ارزش گذار و ایلافاصله توده های بیخاسته بر کار انقلابی فدائیان خود را بلافاصله بیازورد.

پیروزی انقلاب بهمین شرایط کاملا نویینی پدید آورد، چه در زمینه کسار سازمان نگارانه میان مردم و انتشار نشریات، چه در زمینه میتینگ نمایش حرکات خیابانی، کشودن دفاتر و دیگر مراکز تجمع و تبلیغ و چه در بهره گیری های معین از مطبوعات غیرحزبی و رادیو تلویزیون امکاناتی وجود داشت. در این دوره استفاده فعال سازمان از همه این اشکال تبلیغ و شرکت مؤثر در مبارزه توده ها برای حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب و علیه ضد انقلاب، امیرالیسم و جناح راست درون حکومت، عوامل اساسی گسترش پیوند سازمان با توده ها بود. تبلیغ وسیع در جامعه با انتشار نشریات، برگزاری میتینگ ها و اینکارات مهمی مثل مناظره تلویزیونی مؤثرترین شکل فعالیت تبلیغی برای بر دن برنامه و سیاست ما به میان مردم بوده است. حزب توده ایران و سازمان ما به عالیترین شکل، این تاکتیک ها را بکار بستند. آگاه سازی وسیع توده ها زمینه فعالیت سازمان نگارانه فدائیان و توده آنها را بسطی گسترش داد. این امر مایه هراس دشمنان انقلاب و جنبش انقلابی ما بود.

طی پنج سال پس از انقلاب و در راستای تقویت و تسلط راست در حکومت این امکانات محدود و محدودتر شدند و سرانجام شرایط خفقان و ترورگویی جانشین شرایط مساعد ناشی از انقلاب شد. امروز دیگر امکان انتشار علنی نشریات و کتابها ما وجود ندارد. تشکیل میتینگ و اجتماعات همگانی ممنوع شده است. استفاده از رادیو و تلویزیون و نشریات پرتیراژ غیررسمی امکان ندارد. دفاتر و مراکز مراجع مردم به سازمان ما و سایر نیروهای میهن پرست همه بسته شده است. موج سرکوب و خفقان دامنه تبلیغات شفاهی برای دفاع آشکار از سازمان انقلابی و حقانیت وی را محدود کرده و آنرا بدون خانه ها، محیط های قابل اعتماد محصور می کند. در چنین شرایطی، باید بیدرنگ تاکتیک های مناسب تبلیغی را برای جبران نسبی این محدودیتها و حفظ و گسترش حضور انقلابی سازمان در سطح جامعه بکار بستیم. ما در نتیجه هر ارتجاعي حکومت امکانات بسیاری را از دست می دهیم و از کار بست برخی اشکال مؤثر تبلیغ سیاسی محروم می شویم. اما بیدرنگ باید با اختیار مناسب ترین و مؤثرترین اشکال مبارزه آنچه از دست داده ایم جبران سازیم و تداوم و گسترش تبلیغ سیاسی پیشروا تا مین کنیم.

اکتوت وضعیت چنان است که توان و امکان رهبری جمهوری اسلامی برای سرکوب و محو جنبش انقلابی، به علت حدت بحران درون سیستم حاکم و تنگنای اعتراض مردم به حکومت عملا کاهش یافته و کم اثر می گردد.

رهبری جمهوری اسلامی زمانی که در مقابل آمریکا و ضد انقلاب وابسته به آن ایستاده بود و از حمایت توده های میلیونی برخوردار بود، قدرتی عظیم برای مقابله با مخالفین خود داشت. اما در راستای برگشتن از مواجید گذشته، قرار گرفتن در جبهه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و ستم پیشگان و مقابله شدید با جنبش انقلابی کشور، روند بی اعتمادی، جدایی و مقابله توده های میلیونی با حکومت آغاز و رو به گسترش نهاد. این بار تلاش عمده رهبری جمهوری اسلامی علیه دشمنان مردم نیست. از حمایت مردم برخوردار شود، بعکس، تلاشهای حکومت علیه خود مردم و پیشا پیش آنها علیه جنبش انقلابی کشور ما است. بر همین اساس حکومت تدریجا قدرت سترگ و مقاومت ناپذیر همان مردمی مواجه می شود که رژیم شاه را علیه حمایت همه جانبه امیرالیستها درهم شکستند و زمانداران فعلی را بیه قدرت رساندند. در این وضعیت حکومت برای حفظ و تحکیم خود، بر سرنیزه و تزویر و خرافات، یعنی همان عواملی که حکومت های خدمردمی به آنها متوسل میشوند، تکیه میکند. اما مطابق یک ضرب المثل گویا "تکیه بر سرنیزه سرنیزه سرانجام تکیه گاه را می شکاند". تکیه بر سرکوب و اختناق و تزویر، تحمیل و مخالفت و مقابله مردم با حکومت را تشدید و تسریع میکند و توان ایستادگی و ادامه حیات آنرا فرسوده و سرانجام به نابودی میکشد. آگاهی و تجربه انقلابی و رزمندگی توده های که علیه جمهوری اسلامی صف آرائی میکنند با زمانی که علیه رژیم شاه پیکار میگردند اساسا متفاوت است مردم ما در کوره سنها مبارزه خاد و متدود در جریان شرکت در بزرگترین انقلاب تاریخ معاصر کشور ما و به پیروزی رساندن آن آیدیده و آزموده شده اند. تبلیغات فریبکارانه و مسموم رهبران جمهوری اسلامی، اگر هم بتواند هنوز بر اذهان اقشاری از مردم تاثیراتی بگذارد، این تاثیرات ناپایدار خواهد بود و همچنانکه پرده از سیای کتونی حکومت برداشته میشود رو به زوال میگردد. بعکس تاثیر انقلاب و تجسارتب انقلابی توده ها، از آنجا که با زندگی واقعی آنها پیوند خورده است عمقا در خدمت مبارزات حال و آینده آنان قرار میگیرد. بر زمینه این آگاهی و تجربه توده ها، تبلیغات سیاسی پیشرو انقلابی هزاران پیشرو تربیت میکند.

درست است که حکومت مؤثرترین و بیشترین امکانات و وسائل تبلیغی را در اختیار دارد، اما دیوار برین اعتمادی که میان توده ها و حکومت کشیده میشود تاثیر تبلیغات آنرا بطور فزاینده ای خنثی میسازد. بعکس، پیشرو انقلابی اگرچه فاقد این امکانات است اما بر پایه پیوند ذاتی خود با مردم و گسترش مبارزه مردم علیه حکومت با همان امکاناتی که در اختیار دارد به اعماق قلب و روح توده ها راه می یابد و تبلیغ سیاسی و افشاگریهای سیاسی او وسیعا در خدمت تربیت و بسیج انقلابی توده ها قرار می گیرد. تبلیغ سیاسی فراگیر در سطح جامعه که وظیفه همیشگی و بسیار مهم پیشرو انقلابی است، در شرایط کتونی جامعه ما، علیرغم ترور و خفقان حاکم امکان تاثیرگذاری سریع و گسترده دارد. فعالین انقلابی با بدبزای علیه سرخفتان بگوشند و پیام خود را به توده ها برسانند و مطمئن باشند که بر شاخسار فعالیت تبلیغی آنها خورشید آگاهی خلق می روید.

فدائیان خلق برای جبران نشریات و برافراشتن پرچم تبلیغ سیاسی سازمان، بسااید امکاناتی را که در دست دارند بطور کامل و هرچه

انتخابات...

سؤال بسیار مهم این است که آیا می توان جبهه مدافع لیست کاندیداتوری دفتر تحکیم وحدت در تهران و با لیست های مشابه در سایر شهرها را همان جبهه مسلمانان مبارز نامید؟ به نظر ما گرچه آنها با جبهه راست حاکم در زمینه های معین ، از جمله در زمینه شکل تقسیم قدرت ، اختلاف نظر جدی دارند، اما نمی توانیم بگوییم آنها را بیانگر حرکت مسلمانان مبارز دانست که مواضع ضدامپریالیستی و مردمی را ترک نکرده اند. با این حال باید گفت که اکثر مسلمانان مبارز که با سیاست و ست گیسوی حکومت مخالفند جای خود را در حمایت از این اختلاف جدید جستجو کرده اند. مسلمانان مبارز، به همان اندازه که در برابر سیاست حاکم ایستادگی میکنند، از سوی مردم حمایت می شوند و نیرو می گیرند. مردم چهره های سرشناس یافته شده راست را شناخته اند و در همه جا به آنان رای منفی داده اند. این چهره ها در انتخابات اخیر حتی موفق نشدند حمایت ارگانهای پائینی حکومت را که خود در راس آن قرار دارند بدست آورند. مسلمانان حاکم به همان حدی که به جبهه راست حاکم رای منفی دهند، به همان اندازه بیشتر فرصت می یابند متشکل شوند و هدفمند مبارزه کنند. آنها باید بدانند که این فقط گام اول است. مقام و موقعیت آنها در مبارزات ملی و دمکراتیک مردم ایران و مسائلتان با سایر نیروهای مترقی بستگی به این دارد که تا چه حد از راهی که تا اینجا پیموده اند پند بگیرند و ضعفها، ناپیکیری ها و اشتباهات خود را جبران کنند. ما در هر صورت، از برداشتن این گامها استقبال می کنیم و خواهیم کوشید که آنان را در این راه یاری دهیم.

انتخابات دور دوم مجلس شورای اسلامی یک گام جهشی بلند در راستای همان روندی است که در کشور ما جریان دارد. گرچه جبهه راست حاکم فعلا به قیمت سرکوب همه سازمان ها و احزاب انقلابی میهن ما با کمک ترور و اختناق سیاسی که بر میهن ما حکمفرما کرده، توانسته است حق انتخاب آزاد را از مردم سلب کند، گرچه آنها به قیمت بی آبرو کردن بی سابقه شورای نگهبان و تبدیل آن به فیلتر تصفیه هر فکر و اندیشه ترقیخواهان از صحنه انتخابات و بسا دست زدن به پرونده سازی و شایعه پراکنسی و تقلب های آشکار در انتخابات توانسته اند مواضع و موقعیت خود را "در بالا" محکم تر کنند، اما چنانکه کاملا قابل پیش بینی بود، تحکیم موقعیت و مواضع جبهه نیروهای راست حاکم به قیمت تسول به این فجایع و به این افتخارات از یک طرف، بحران درون سیستم حاکم پیویژه تضاد است و از طرف دیگر با پائینی آن را تشدید کرده است و در میان توده های مردم و تصفیه مواضع آن در جامعه منجر گردیده است. بدین ترتیب انتخابات حاکمیت را بی آبروتر و زمینه رشد جنبش اعتراضی توده ای، سطح آگاهی و تشکل آنرا مساعدتر ساخته است.

روشن ترین تصویر وضعی را که با این انتخابات تپید آمده است، سخن شخص آیت الله خمینی عیان می سازد: "فردا رسانه های گروهی نگویند که بهم خورده است... اینها خیال نکنند در ایران یک خبری شده است."

برادر "ناتو" در تهران
بقیه از صفحه ۸

اکنون جمهوری اسلامی چه در عرصه خارجی و چه در عرصه داخلی بکار می گیرد، هر روز اعتماد بیشتری در میان امپریالیستها بوجود می آورد، امپریالیستها از گسترش این روندها خوشحالند و خواهان تشدید و گسترش بازم بیشتر آنند. پیش قدم شدن جمهوری اسلامی در جهت احیای بنیان آرمی - دی و همراهِ اش با فرجع ترین محافل امپریالیستی و ارتجاعی منطبق علیه اقتصاد شوروی، انقلاب افغانستان، سازمان آزادیبخش فلسطین، جنبش انقلابی مردم کردستان و بسیاری دیگر از نیروهای ترقیخواه منطقه، جبهه گیری واقعی و رو به گسترش آن را در عرصه بین المللی نشان می دهد. این روند آمریکا و رژیم های مزدور ترکیه و پاکستان را امیدوار می سازد که بار دیگر بدست مرتجعین حاکم بر ایران، کشورها را در حلقه پیمان های نظامی قرار دهند و پیمان تجاوزکارانه "سنتو" را احیا کنند.

فضاحت ضد کارگری

این "برنامه" ضد کارگری، برای مکیدن شیره جان کارگران، به انواع فراریان، اعم از ضدانقلابیون فراری، سرمایه داران فراری و همچنین متخمین فراری، توصیه هایی کردند و رهنمودهایی دادند و ناخواسته مشخص کردند که چطور چپاولگران فراری دست بدست کلان تاجران و سرمایه داران و زمینداران مورد دفاع آقای اردبیلی مشغول مکیدن شیره جان زحمتکشان هستند. ایشان میگویند آنها را که "در سنوات انقلاب در رفته بودند، فراری بودند، برگشتند" و ادامه می دهند اینها که "سر و کله شان پیدا شده و برمی گردند" اما نام گرفته اند" و "شفاقتها راه افتاده است. صد البته به حساب دسترنج زحمتکشان.

آقای اردبیلی ضمن اینکه از کارگران می خواهد تا "تعطیلات را کم کنند و شبها را دو شیفته کار کنند تا "جاله ها" پر شود، سرمایه داران و زمینداران و انواع انگلشای نغرت انگیز جامعه نیز نصیحت می کند که "قدر عاقبت را بداند و می گوید" ۸ ساعت خوابیدن، ۱۰ ساعت خوابیدن، غذای متنوع خوردن، آروغ زدن، صبح بعد از نماز خوابیدن، اینها حرام نیست اما جانب احتیاط را رعایت کنند. احتیاطهایی از این نوع که آقای اردبیلی برای بقا بهره گیری است، به آقایان سرمایه داران توصیه میکند، تنها مایه تمسخرند و چندین نسل است که کهنه شده اند.

برنامه ای که مسئولان جمهوری اسلامی می خواهند به کارگران ایران تحمیل کنند، همان چیزی است که کارگران جهان از چند صد سال پیش علیه آن نبرد کردند و در سطح جهان آنرا به زباله دان تاریخ ریختند. جشن اول ماه مه یادآور یکی از قاطع ترین جلوه های همین بیکار است. این روز بعنوان روز مبارزه پیروزمندها علیه همین ستم ها جشن گرفته می شود. کارگران میهن ما باز دیگر اینگونه "برنامه ها" را به جای واقعی خود یعنی به همان زباله دان تاریخ بر می گردانند.

یکی از مسائل قابل توجه ماه، اقدامات حکومت در رابطه با اول ماه مه بود که می توان آنرا نمایش ساده لوحانه و بسیار مضحکی از دشمنی کینه توزانه مسئولین جمهوری اسلامی با کارگران دانست. قدم اول آنان برای "برگزاری جشن" این بود که روز اول ماه مه را تعطیل اعلام نکردند. علت این اقدام را وزیر کار مثل کودکی راستگو افشا کرد. او گفت: "اگر بنیاد باشد بمناسبت گذشته شدن تعدادی از کارگران در کوته ای از جهان در تظاهرات اول ماه مه آن روز روز کارگر تلقی شود، بسی افتخار بر کارگران وزحمتکشان باایمان وطن اسلامیمان، که هر روز برای آنها روز کارگر است. زیرا روزی نیست که خبشهادت عده ای از دلاوران کارگر ما از جبهه های نبرد حق علیه باطل دریافت نشود."

مطابق همین نظر وزیر کار مراسمی هم برگزار گردید که مضمون اصلی آن تبلیغ برای تداوم جنگ بود و در آن، شرکت کنندگان را به گریه و زاری بر حال و روز جوانان کشور و پرداخت وجوهی بیشتر برای تجهیز و اعزام این جوانان به جبهه ها وادار کردند. قابل توجه تر از همه در ایام برگزاری این به اصطلاح جشن، صحت های آقای موسوی اردبیلی بود که طی آن، به "انقلابی" حکومت را برای کارگران اعلام کرد. ایشان به کارگران زحمتکش و شریف میهنمان گفتند "یک انسان انقلابی معنایش این نیست تخمین می کند، اعصاب می کند، یا کاغذ می نویسد یا درخواست می کند ساعات کار کم، حقوق بیشتر اینکه انقلابی نیست! انقلابی نیست: ساعات کار بیشتر، تعطیلات عمومی کمتر، تولید بالاتر تا خرابی های سابق درست بشود تا بوضع عادی برسد همه ازین نتیجه کار مثبت نتیجه بگیرند". سپس ادامه دادند "یک ساعت کار انقلابی باید پیاده شود ساعات اداری را اضافه کنید، تعطیلات را کم کنید، شبها را دوبایسه شیفت کنید، تولید را بالا ببرید، جاله ها را پر کنید، خلاها را پر کنید". ایشان پس از اعلام

جاودان باد خاطره خسرو روزبه

روزبه در برابر جلادان رژیم که میخواستند او را به انکار آرمان و حزب خود وادارند گفت: "من بر عقایدی پای بندم. نظرات سیاسی ام را مقدس می شمارم. به عهد و سوگند خود وفادارم. به امضای که در زیر آنکت خود کرده ایران کرده احترام می گذارم و هرگز بخاطر جلب منفعت یا دفع خطر پیمان خود را نمی شکم". و سرفراشته گفت: "اگر عاشق و بیفته سوسالیسم هستم با ام عقل و شعور و منطق و دزایت خود برتسری، صول آنرا بر سایر رژیم ها احسان کرده ام". طنین دفاعیات قهرمانانه او در بیدادگاههای شاه، به انقلابی ترین شعارها علیه ستمگران و بهره کتان بدل شد و نسل ها را زیر تاثیر نیرومند خویش گرفت.

رفیق خسرو روزبه سروان توپخانه، ای بنیانگذاران تشکیلات افسران آزادیخواه ایران بود، او در جلب نظر میان به جنبش انقلابی و صفوف حزب توده ایران نقش منحصر بقدری ایفا کرد. در سال ۱۳۳۴ که قیام افسران آزادیخواه خراسان و تهران سرکوب شد، تلاش ارتجاع برای دستگیری روزبه شدت گرفت. اما او به زندگی مخفی روی آورد. در این دوره، با نام مستعار ستمساز مقالات بسیاری در فضای جبهه پلید ارتجاع انتشار داد. این آثار، میهن پرستان آزادیخواهان ارتش را به تشدید مبارزه علیه ارتجاع فسر می خواند. پس از سرکوب جنبش دمکراتیک آذربایجان و کردستان، در ۱۷ فروردین ۱۳۳۶، روزبه بازداشت شد. اما یکماه بعد بیکاری هم زمان خود از زندان گرفت. دادگاه غیابی او را به اخراج از ارتش و زندان محکوم کرد. روزبه، در دوره دوم زندگی مخفی خود، به سازماندهی میهن پرستان ارتش اندتسری بخشید. بار دیگر در فروردین سال ۱۳۳۷ بازداشت و در بیدادگاه شاه محاکمه گردید. دادستان برای او تقاضای اعدام کرد. او دادگاه را به سنگر دفاع از مردم و فضای ارتجاع تبدیل نمود. دادگاه وی را به ۱۵ سال محکوم کرد. رفیق روزبه بار دیگر در آذرماه ۱۳۳۹ به همسراه عده ای از همیران حزب از زندان گرفت. این زمان دوره سوم فعالیت مخفی روزبه آغاز شد. وی که در این هنگام مسئولیت شعبه اطلاعات کل

حزب توده ایران و شعبه اطلاعات تشکیلات افسران آزادیخواه ایران را بعهده داشت، با هویشاری و دقت تمام و بنحو احسن مسئولیت خطیر خود را به انجام رساند.

پس از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد، حزب توده ایران در راه همه نیروهای انقلابی، ملی و مترقی مورد هجوم و سرکوب ارتجاع قرار گرفت. ارتجاع به تشکیلات افسران حزب پیورش برد، و ۳۰ افسر توده ای را به جوجه اعدام سپرد. روزبه در ادامه کار تشکیلات نظ می در حفظ جوان افسران حزب تا پای جان کوشید. بااراده بولادین به مبارزه ادامه داد، تا حزب و تشکیلات نظامی آن از گزند بیشتر مومن بمانند.

در پانزدهم تیرماه ۱۳۳۶ رفیق خسرو روزبه مجددا دستگیر گردید. هنگام دستگیری، او بسا اسلحه ای که همراه داشت، با مزدوران رژیم شاه رزمید و با پیکری خوین به انارت دشمن درآمد. ۹ ماه تحت شکنجه وحشیانه قرار گرفت. اما از اسرار حزب خویش با همه وجودش حفاظت کرد. در بیدادگاه رژیم پهلوی که رزبه آنرا به تربیون فضای رژیم بدل ساخته بود، در آخرین دفاع خود گفت: "من به اقتضای آتش که بخاطر خدمت به خلقهای ایران در درون سینه ام شعله می کند راه حزب توده ایران را برگزیده ام و باید اذعان کنم که جانم، استخوانم، گوشتم، پوستم همه تارو بود وجودم این راه را، راه مقدسی شناخته است و تمام طولی بدن من و تمام ذرات وجودم توده ای است."

رفیق خسرو روزبه، قهرمان ملی، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، در روز ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷ به جوجه اعدام سپرده شد.

زندگی سراسر حماسه و شهادت قهرمانانسه خسو روزبه، الهام بخش توده کثیر رزمندگان و مبارزانی گردید که راه او یعنی راه رهایی و بهروری زحمتکشان میهن و مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم را برگزیده اند. یاد او جاودان و راه او همواره پر رهرو خواهد بود.



کشتار زندانیان سرشناس سیاسی رژیم شاه در جمهوری اسلامی

در اعتراضات و اعتصابهای غذا شرکت کردند و به حفظ جو مقاومت و ارتقاء روحیه مبارزاتی کمک نمودند. ایستادگی و بایرداری زندانیان سیاسی تأثیرات معینتی بر جنبش رو به گسترش مردم میهن ما در سالهای قبل از انقلاب داشت. مردم ما که در چهره زندانیان سیاسی، بیشکامان خود را می دیدند، یکپارچه شعار آزادی زندانیان سیاسی را بانگ زدن و رژیم جبار شاه را وادار کردند که در زندانها را بگشاید و اسیران را آزاد سازد. استقبال شورا فرین مردم از زندانیان سیاسی آزاد شده نشانه بارز تجلیل از پایمردی آنان در مقابل حکومت خودگامه شاه بود.

برادر "قاتو" در تهران

در پی سفر وزیر امور خارجه و وزیر مشاور ترکیه به ایران و مذاکرات و توافق های آنان با مقامات جمهوری اسلامی، تورکوتاوازل نخست وزیر رژیم دست نشانده ترکیه در راه هیئت سیاسی اقتصادی به ایران مسافرت کرد و در مذاکراتی که با رئیس جمهور، رئیس مجلس و نخست وزیر موافقت های جدیدی نیز دست یافت. طبق اظهارات موسوی نخست وزیر ایران حجم کلی مبادلاتی که روی آن توافق شد "نزدیک به ۲ میلیارد و ۱۲۰ میلیون دلار" است. این سطح از مبادلات بازرگانی ایران و ترکیه نسبت به رقم مشابه سالهای قبل از انقلاب بیش از حد برابر افزایش یافته است. در همین رابطه تورکوتاوازل ضمن ابراز خوشحالی از نتایج این سفر اعلام کرد "ترکیه ۶ میلیون تن نفت از ایران خریداری خواهد کرد و در زمینه حمل و نقل و مبادله کالاهای مصرفی و صنعتی، دو کشور همکاری خواهند داشت" خوشحالی آقای تورکوتاوازل این بهره امپریالیسم آمریکا و نماینده رژیم وابسته به امپریالیسم ترکیه و خصوصا از آن جهت است که ارتباطات امکانات تازه ای جهت بسط و تحکیم نفوذ خود در کشور ما بدست آورده اند. بهترین نمودار این توطئه توافق سه جانبه جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و پاکستان در مورد ایجاد "پیمان عمران منطقه ای" است. سفر آقای تورکوتاوازل به ایران و سپس پاکستان در جهت فعال کردن هرچه بیشتر همین پیمان ارتجاعی و فداقلایی صورت گرفته است.

یکی از موفق ترین تاکتیک های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ما پیش انداختن "واسطه های خود از قماش دولت های ترکیه و پاکستان برای آشتی دادن حکومت جمهوری اسلامی با امپریالیسم بوده است. وظیفه این واسطه ها همانطور که بارها گفته ایم این است که روابط دلخواه امپریالیسم با جمهوری اسلامی را بازسازی کنند و مواضع از دست رفته آنها احیا سازند. سفر تورکوتاوازل به ایران که اولین سفر او پس از انتخابش به نخست وزیری حکومت فداقلایی ترکیه است، گام خطرناک دیگری در تقویت و تشدید همین روند ارتجاعی است. مقامات جمهوری اسلامی امروز دیگر نیازی به استتار روابط رو به گسترش خود با امپریالیست ها و دست نشاندهگان آن نمی بینند. سیاست و روشی که بقیه در صفحه ۷

بیست و یکم اردیبهشت ماه، سالروز شهادت خسرو روزبه، قهرمان ملی کشور ما و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، روز زندانیان سیاسی ایران است. ما در این روز از ایستادگی و ایثار انقلابیونی تجلیل می کنیم که در زندانها و شکنجه گاههای مرتجعین، در بدترین شرایط سهم خویش را در مبارزه مردم کشورشان ادا میکنند. آنها از هر حزب و سازمان که باشند فرزندان گرامی خلق خود هستند. اغلب انقلابیون سرشناس و آزموه کشور ما، بخشی از عمر خود را در زندان های رژیم شاه بسر بردند. امروز هم هزاران انقلابی عمر خود را در سیاهالیه های مرتجعین حاکم سپری می کنند. بسیاری از زندانیان سیاسی رژیم شاه امروز یا در زندانهای جمهوری اسلامی اسیرند و یا بدست رژیم جمهوری اسلامی به شهادت رسیده اند. این یکی از سیاه ترین و رسواترین جنایتهای و تبهکاری های حکومت است. کسانی را که خلق بدست خود از بند رژیم شاه آزاد کرده بود، جمهوری اسلامی دیگر بار بنده بند کشیده و با نا جوانمردانه به شهادت میرساند. سعید سلطانپور (چریک فدائی) - هنرمند و شاعر انقلابی - سیامک اسدیان (چریک فدائی) - منصور اسکندری (چریک فدائی) - احمد غلامیان - لنگرودی (چریک فدائی) - محسن مدیبر شانه چی (چریک فدائی) - توکل اسدیان (چریک فدائی) - قاسم سیدباقری (چریک فدائی) - اصغر الجزایری (چریک فدائی) - عبدالرحیم صوری (چریک فدائی) - مهران شهاب الدین (راه کارگر) - نورالدین ریاحی و همسرش (راه کارگر) - چنگیز احمدی و همسرش (راه کارگر) - علی شکوهی (راه کارگر) - علی مهدی ده (راه کارگر) - روزبه گلپسلی آبکناری (راه کارگر) - علیرضا تشید (راه کارگر) - غلام ابراهیم زاده (راه کارگر) - حسن اردین (راه کارگر) - جبرئیل هاشمی (راه کارگر) - بهروز سلیمانی - محمد علی پرتوی - شکرالله پاک نژاد - موسی خیابانی (مجاهد) - اشرف ربیعی (مجاهد) - محمدرضا سعادت (مجاهد) - قاسم باقرزاده (مجاهد) - محمدرضا ضابطی (مجاهد) - معصومه شادمانی (مجاهد) - حمید جلال زاده (مجاهد) - فضل الله تودین (مجاهد) - محمد مصباح (مجاهد) - محمدعلی پور مسئله گو (مجاهد) - محمدجباری (مجاهد) - علی اصغر محکمی (مجاهد) - احمد شادبختی (مجاهد) - جواد زنجیره فروش (مجاهد) - حسین جنتی (مجاهد) - حمید خادمی (مجاهد) که از رهبران و مسئولان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، راه کارگر و مجاهدین بودند از جمله چهره های سرشناس و مبارزی هستند که در سالهای اوج خفقان رژیم ستم شاهی، علیه دیکتاتوری و امپریالیسم بپا خاستند و با آرمان های خدمت به خلق و تأمین بهروزی و سعادت زحمتکشان قدم در راه مبارزه گذاشتند و به باوروی و پیشرفت جنبش انقلابی ملی کمک کردند. اکثر این مبارزین در اوائل دهه پنجاه دستگیر شده و تحت شکنجه های شدید دژخیمان قرار گرفتند. این مبارزین راه استقلال و آزادی، در بیدادگانهای نظامی با مبارزات و عقاید خود ماهیت ارتجاعی رژیم وابسته به امپریالیسم را برملا کردند. در سالهای تشدید سیاست ترور و اختناق توسط ساواک، این مبارزین سرشناس به همراه سایر زندانیان در فعالیت های دزون زندان،

آدمی با سرافراشته باید زید
و سرافراشته باید میرد
و به دشمن سر تسلیم نیارد در پیش
و انهد در ره آزادی خلق
همه هستی خویش

گرامی باد یاد شهدای خرداد ماه
فدائیان خلق :
عبدالباق احمدی
اقبال املانی
محمد رضا اکبری اسبق
طه پارسا
حبیب برادران خسرواشای
خسرو تره گل
امیر پرویز پویان
اسماعیل حسینی
رحمت پیروندیری
منصور حیدری
رضا تیموری
غلامحسین خاکباز
علیرضا رحیمی هلی آبادی
بهرز دهقانی
علیرضا شهاب رضوی
توفیق رجب پور
اسکندر صادقی نژاد
حسین سلاخی
مینا طالب زاده شوشی
خسرو شیبانی
هادی کا کا خانی
بهزاد شیوا
فرشته گل عبریان
کمال کیا نفر
حسن معصومی همدانی
غفار یعقوبی
حسین موسی دوستدوچالی
پرزور هوبا دراهان، جوادان یادشان

سفر ریگان به چین

مسافرت ریگان به چین که به دنبال سفر نخست وزیر چین به آمریکا صورت گرفت، یکی از رویدادهای مهم ماه بود. ریگان که در یکن با استقبال گرم مقامات چین روبرو گردید، امکان یافت در نطقهای رسمی و سخنرانیهای خود برای مردم چین شدیداً به اتحاد شوروی، دژسویالیسم جهانی حمله کند و بسود جامعه سرمایه داری تبلیغ نماید. این تبلیغات آنقدر شدید بود که حکومت چین مجبور شد بخشهایی از سخنان ریگان را در وسائل ارتباط جمعی خود پخش نکند. سفر ریگان به چین زمانی صورت گرفت که بازار تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا داغ شده است. ریگان که در دوره ریاست جمهوری خود، با استقرار مونتهگای میان برد در اروپا جهان را به لبه پرتگاه جنگ هسته ای سوق داده است، با مسافرت به چین در نظر داشت که در اذهان مردم آمریکا یک چهره صلح طلب جلوه نماید و از این امر برای تصاحب مجدد کرسی ریاست جمهوری انتقاد نموده و چهار سال دیگر سیاست جنگ افروزان و توسع طلبانه مجتمع "نظامی-صنعتی" آمریکا را رهبری کند. مقامات یکن که از حسن نظر آمریکا نسبت به سیاست چین در منطقه جنوب شرقی آسیا مطلع هستند، هم زمان با مسافرت ریگان به چین، مناطق مرزی ویتنام را زیر آتش خود گرفته و چندین بار به خاک ویتنام هجوم بردند و خسارات سنگینی به کشور سوسیالیستی وارد آوردند.

در این مسافرت، بین چین و آمریکا یک قرارداد هسته ای منعقد گردید و بر گسترش باز هم بیشتر همکاری های اقتصادی و نظامی بین دو کشور تأکید شد. انحصارات آمریکا از گسترش مناسبات اقتصادی چین و آمریکا بسیار رهنمودند. همکاری چین و آمریکا بویژه در مورد مسائل نظامی مذتهاست جریان دارد. این دو کشور مشترکاً بر روی ۳۰۰ پروژه علمی کار می کنند که در میان آنها، پروژه بهره برداری از انرژی هسته ای جای خاصی دارد. هم اکنون ۱۰ هزار دانشجویی چین در آمریکا به تحصیل مشغولند و در سال ۱۹۸۲ یکصد هزار آمریکایی از چین بازدید بعمل آورده اند. ریگان در باره نتایج مسافرت خود اعلام کرد که چین و آمریکا به مرحله تازه ای از تفاهم در مناسبات خود رسیده اند و سو تفاهمات کنار رفته اند و هر دو کشور نسبت به سیاست "توسعه طلبانه" اتحاد شوروی اتفاق نظر دارند و نخست وزیر چین هم اظهار داشت که موضوع ضدگوشی ریگان مانعی برای روابط دو کشور ایجاد نمیکند. مسافرت ریگان به چین و اظهارات ریگان و نخست وزیر چین نشان می دهد که چگونه امپریالیسم تجار و گمر آمریکا از گرایش ضد شوروی رهبران چین بر علیه جامعه کشورهای سوسیالیستی بهره - برداری می کند و به تشدید کارزار تبلیغاتی ضد شوروی دامن می زند. ادامه چنین سیاستهایی از سوی رهبران چین علیه منافع و مصالح زحمتکشان چین و علیه جنبش جهانی فدا امپریالیستی است.

انتشار نشریه "اکثریت"

بدینال انتشار مجدد نشریه کار، نشریه سراسری هواداران سازمان در خارج از کشور، با نام "اکثریت" در آغاز سال نو انتشار یافت. نشریه "اکثریت" از آنجا که یک نشریه خبری - سیاسی هفتگی است، می تواند وسیعاً اخبار و گزارشات مبارزات مردم را انعکاس دهد. از این جهت نشریه کار به خوانندگان خود، بویژه به اعضاء و هواداران سازمان توصیه میکند اخبار، گزارشات و اطلاعات خود از محیط کار و زندگی مردم، از مبارزات کارگران، دهقانان، دانشجویان، دانش آموزان و از وضعیت زندان های رژیم به همراه پیشنهادات و نظرات خود را برای نشریه اکثریت ارسال کنید.

با کلاه مکاتبه کنید!

رفقا و دوستان عزیز!
نشریه کار ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) امکان ارتباط همه خوانندگان خود را با نشریه فراهم کرده است. همه مبارزین انقلابی می توانند اخبار و اطلاعات و همچنین پیشنهادات و نظرات خود را به آدرس زیر برای نشریه کار ارسال کنند.

اطریش
P.F. 10
1091 WIEN
AUSTRIA

پیش بسوی جبهه متحد خلق